

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سرشناسه: نیلی پور، مهدی، ۱۳۴۱ -  
عنوان و نام پدیدآور: حاضران به غایبان برسانند: پیام‌هایی از خطبه غدیر / مهدی نیلی پور؛ به سفارش  
معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی؛  
مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات، ۱۳۹۷.  
مشخصات ظاهری: [۸۴] ص.: جدول؛ ۱۴/۱۸ س.م.  
فروست: زائر رضوی. همراه با مسابقه؛ ۱۲.  
شابک: رایگان ۹-۲۰-۶۹۰-۶۲۲-۹۷۸ :  
وضعیت فهرست نویسی: فایا  
یادداشت: چاپ دوم.  
موضوع: غدیر خم  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷: ۲۱۳۹۵۶/۵/ BP۲۲۳  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۹۰۷۹۵



# حاضران سے خایاں برساتا

مہدی نیلی پور



حق چاپ محفوظ است.

شمارگان: ۸۰۰۰

نشانی: مشهد مقدس، حرم مطهر رضوی، صحن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، بین باب الهادی علیه السلام و صحن غدیر، اتاق ۱۸۵

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵      تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۲۹۴۲      سامانه دریافت انتقادات و پیشنهادات: ۳۰۰۸۰۲۲۲۲

عنوان: حاضران به غایبان برسانند

نویسنده: مهدی نیلی پور

تهیه و تولید: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

ویراستار ویرایش دوم: زینب سادات حسینی و انسیه غلامرضا پور

ارزیاب علمی: حجت الاسلام و المسلمین سید محمود مرویان حسینی

صفحه آرا: محمد بهشتی زاده

ناشر: انتشارات زائر رضوی

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

نوبت چاپ: چهارم ۱۴۰۰

من از «الیوم اکملت لکم» اینگونه فهمیدم  
خدا با مهر او دین مرا اندازه می گیرد



دلم با یا علی هر بار جانی تازه می گیرد  
کتاب عشق با نام علی شیرازه می گیرد

## فهرست

- مقدمه ..... ۹
- تعریف غدیر خم و واقعه نگاری ابلاغ آن ..... ۱۲
- جدول واقعه نگاری ابلاغ غدیر ..... ۱۴
- سند خطبه غدیر ..... ۱۶
- عید سعید غدیر در آینه کلام رضوی ..... ۲۰
- پیام های غدیر و خطبه غدیر ..... ۲۳
- غدیر، روز معرفتی انسان ۲۵۰ ساله شایسته امامت ..... ۲۷

۳۷	غديرباوران و غديرپاوران
۴۳	رسالت غديرپان
۴۷	غديرستيزان
۶۳	حکومت وليّ فقيه؛ استمرار جريان غدير در دوران غيبت
۶۹	غديرخم و تبين اندیشه و راهبرد تاريخی سياسی شيعه
۸۴	غديرخم؛ معرفّی پيشوايي معصومانه به درازای تاريخ
۸۹	آيات الولاية در خطبه غديره
۱۱۶	توضيحات شرکت در مسابقه
۱۱۸	پرسش‌ها

دستِ کرمِ پدرِ فاطمه در دستِ علمست

بعد از این، بارِ نبوتِ همست در دستِ علمست



## مقدمه

پس از روز مبعث پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، برترین روز در تاریخ تمدن اسلامی و مکتب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، روز عید غدیر خم است؛ همچنان که در عید مبعث، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از طرف خدای رحیم به رسالت برانگیخته شد، عید غدیر هم روزی است که حضرت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ از طرف خداوند کریم، برای امامت و ولایت بر مؤمنین برانگیخته شد و در واقع، این روز، سرآغاز امامت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است.

غدیر خم و قهرمان آن، بیش از آنکه حامی و دوست داشته باشد، دشمنان گوناگون و بسیار دارد؛ چراکه جبهه





شیطان و طاغوت‌ها در هر عصر و مصری، در برابر حقیقت غدیر صف کشیده‌اند و با انواع دسیسه‌ها و راهبردها و راهکارها، درصدد جلوگیری از رسیدن پیام این واقعه به انسان‌ها و نسل‌های بعدی هستند؛ این دشمنی‌ها، رسالت بزرگی را بر دوش غدیرباوران می‌گذارد تا با مجاهدتی خستگی‌ناپذیر در عرصه‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی، در کنار کار معرفتی و عملی، در تحقق بخشیدن به آرمان‌های والای غدیر و احقاق حقوق به‌تاراج‌رفته اهل بیت علیهم‌السلام در طول تاریخ بکوشند.

امروز، غدیریآوری به معنای کوشش برای دین‌داری فردی و همت‌گماردن برای اجرای حداکثری احکام دین، حمایت از عالمان و ارسته دین و حکومت ولی فقیه و بالاخره انتظار و استغاثه برای فرج و ظهور امام عصر علیه‌السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی بر مبنای نظام امامت است.

کتاب حاضر مروری است بر خطبه غدیر پیامبر و الامقام اسلام صلی الله علیه و آله که در آن، دوازده موضوع اساسی این خطبه واکاوی شده است.

این نوشتار، به سفارش معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی و به مناسبت عید غدیر خم، در سال ۱۴۳۷ق تهیه شده و حضور شما بزرگواران تقدیم می‌شود. امید آنکه خداوند همه ما را از غدیرباوران صادق و مجاهد و جرعه‌نوش کوثر ولایت قرار دهد.

مهدی نیلی‌پور  
شهریور ۱۳۹۵ش.  
ذی‌الحجه ۱۴۳۷ق.





## تعریف غدیرخم و واقعه نگاری ابلاغ آن

غدیر در زبان عربی به آبگیر یا آبی گویند که از خود، سیلی به جا می‌گذارد.<sup>۱</sup> حُم سرزمینی است میان مکه و مدینه، در نزدیکی جحفه<sup>۲</sup> که آبگیر غدیر در آن واقع شده است.<sup>۳</sup> سرزمین غدیرخم در ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی رابغ<sup>۴</sup> و در فاصله ۲۵۰ کیلومتری شهر مکه قرار دارد؛ این مکان، در واقع چهارراهی است که حاجیان سرزمین‌های مختلف، پس از بازگشت از حج، در آنجا از هم جدا می‌شوند. غدیرخم از شمال به مدینه، از شرق به عراق، از غرب به مصر و از جنوب به یمن منتهی می‌شود و امروزه، سرزمینی

۱. خلیل جر، فرهنگ لاروس، ترجمه سیدحمید طیبیان، ج ۲، ص ۱۵۱۸.

۲. جحفه از مواقیت پنجگانه‌ای است که آنانی که می‌خواهند از راه شام به مکه بروند، در آنجا مُحَرَّم می‌شوند.

۳. محمدبن مکرم بن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۲۳.

۴. رابغ سرزمینی است بین ابواء و جحفه.

متروکه است.

به دلیل عظمت واقعه غدیر، مسلمانان و بویژه شیعیان، در این مکان مسجدی به نام مسجد غدیر بنا کرده بودند. در دهه‌های گذشته، این مسجد به دست دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام تخریب شده و اکنون جز ویرانه‌ای از آن باقی نمانده است.



## جدول واقعه نگاریِ ابلاغ غدیر

ابلاغ کننده آسمانی	خداوند متعال، توسط جبرئیل
ابلاغ کننده زمینی	شخصیت اول ماجرای غدیر، پیامبر اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>
موضوع ابلاغ	معرفی علی بن ابی طالب <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small> و یازده امام پس از او به عنوان جانشینان پیامبر اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>
مکان ابلاغ	سرزمین خم در کنار غدیر و آبگیر، میان راه مکه به مدینه، در نزدیکی جحفه
زمان ابلاغ	پس از حجة الوداع، پنجشنبه، ۱۸ ذی حجة سال دهم هجری





حج‌گزاران از سرتاسر عالم اسلام

مخاطبان حضوری  
ابلاغ

بیش از صد هزار نفر

تعداد مخاطبان حاضر  
در غدیر

همه انسان‌ها در طول تاریخ، بر اساس درخواست پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای رساندن پیام غدیر به غایبان و نسل‌های بعد «فَلْيَبْلِغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»

تعداد کل مخاطبان

تثبیت حکومت اسلامی با معرّفی امام و خلیفه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

هدف ابلاغ

۱. به پاکردن منبری بزرگ از جهاز شترها؛ ۲. ایراد خطبه‌ای مفصل؛ ۳. معرّفی امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام و سلسله امامت، به عنوان پیشوایان دین با تمام اختیارات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

چگونگی ابلاغ

دعوت از حاضران برای بیعت با امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام

شیوه تثبیت ابلاغ



## سند خطبه غدیر

صحت سند خطبه غدیر را از سه راه می‌توان اثبات کرد:

۱. محتوای خطبه غدیر و واکاوی صحت و سقم مطالبش، از راه تطبیق دادن آن با وقایع تاریخی و گزارش‌های مؤرخان: برای نمونه، اگر در خطبه غدیر، برای اثبات موضوع ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام از آیه سوم سوره مبارکه مائده استفاده شده است، می‌توان با مراجعه به نظر مفسران و شأن نزول این آیه، میزان صحت آن را بررسی کرد یا اگر در این خطبه فضائلی مانند اولین مسلمان بودن و اولین مجاهد راه خدا بودن، به حضرت علی علیه السلام نسبت داده شده است، می‌توان این ویژگی‌ها را با مراجعه به دلایل تاریخی، در ترازوی سنجش قرار داد؛

۲. مراجعه به نقل‌های متواتر تاریخی حدیث غدیر:

حضرت آیت‌الله سبحانی حفظه الله، در کتاب ارزشمند فروغ ولایت صفحه ۱۴۱ و ۱۴۲ فرموده‌اند:



« در اهمیت این رویداد تاریخی، همین اندازه کافی است که حدود ۱۱۰ نفر صحابی، حدیث غدیر [یعنی اتفافی که در حجة الوداع افتاده است و اعلام خبر امامت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ] را نقل کرده‌اند؛ البته این مطلب به معنای آن نیست که از آن گروه زیاد، تنها همین افراد حادثه را نقل کرده‌اند؛ بلکه تنها در کتاب‌های دانشمندان اهل تسنن نام ۱۱۰ تن به چشم می‌خورد.

درست است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سخنان خود را در اجتماع صد هزار نفری القا کرد؛ ولی گروه زیادی از آنان از نقاط دوردست حجاز بودند و از آنان حدیثی نقل نشده است. گروهی از آنان نیز که این واقعه را نقل کرده‌اند، تاریخ، موفق به درج آن نشده است و اگر هم درج کرده، به دست ما نرسیده است. در قرن دوم هجری که عصر تابعان است، ۸۹ تن از آنان، به نقل این حدیث پرداخته‌اند.

در قرن سوم، ۹۲ دانشمند؛ در قرن چهارم، ۴۳ دانشمند؛ در قرن پنجم، ۲۴ دانشمند؛ در قرن ششم، ۲۰ دانشمند؛ در قرن هفتم، ۲۱ دانشمند؛ در قرن هشتم، ۱۸ دانشمند؛ در قرن نهم، ۱۶ دانشمند؛ در قرن دهم،





۱۴ دانشمند؛ در قرن یازدهم، ۱۲ دانشمند؛ در قرن دوازدهم، ۱۳ دانشمند؛ در قرن سیزدهم، ۱۲ دانشمند و در قرن چهاردهم، ۲۰ دانشمند این حدیث را نقل کرده‌اند. گروهی نیز تنها به نقل حدیث اکتفا نکرده‌اند، بلکه دربارهٔ مفاد آن مستقلاً کتاب‌هایی نوشته‌اند.

طبری؛ مورخ بزرگ اسلامی، کتابی به نام الولاية فی طریق حدیث الغدیر نوشته و این حدیث را از متجاوز از هفتاد طریق از پیامبر ﷺ نقل کرده است.

ابن عقده کوفی در رسالهٔ ولایت، این حدیث را از ۱۰۵ تن نقل کرده است. ابوبکر محمد بن عمر بغدادی، معروف به جعانی، این حدیث را از ۲۵ طریق نقل کرده است. تعداد کسانی که مستقلاً پیرامون خصوصیات این واقعهٔ تاریخی کتاب نوشته‌اند، [نیز] ۲۶ نفر است. دانشمندان شیعه دربارهٔ این واقعه بزرگ کتاب‌های ارزنده‌ای نوشته‌اند که جامع‌تر از همه، کتاب تاریخی الغدیر است که به‌خامهٔ توانای نویسندهٔ نامی اسلامی، علامهٔ مجاهد، مرحوم آیت‌الله امینی رحمة الله علیه، نگارش یافته است».

۳. نقل عین خطبۀ غدیر از سوی محدّثان برجسته شیعه: این خطبه را محدثان بزرگواری؛ از جمله: طبرسی در الإحتجاج، جلد ۱، صفحه ۵۵ و سیدبن طاووس در إقبال الأعمال، جلد ۱، صفحه ۵۶ و علامۀ مجلسی در بحار الانوار، جلد ۳۷، صفحه ۲۰۴ نقل کرده اند.<sup>۱</sup>



۱. برای توضیح و تحقیق بیشتر، به درگاه اینترنتی خطابه غدیر، بخش ویکی خطابه که به تطبیق عبارات خطبۀ غدیر با احادیث مشابه دیگر پرداخته است و نیز قسمت پاسخ به سؤالات در موضوع سند خطبۀ غدیر مراجعه فرمایید؛ همچنین می توانید به درگاه اینترنتی تبیان در موضوع مدارک متن کامل خطبۀ غدیر مراجعه کنید.

## عید سعید غدیر در آینه کلام رضوی

در روایات برای عید غدیر، بیش از پنجاه ویژگی ذکر شده که در اینجا به دوازده نمونه آن از امام رضا علیه السلام اشاره می‌کنیم!

۱. عید بزرگ خدا	«...وَيَوْمٌ... وَالْعِيدِ الْأَكْبَرُ» (غدیر] روز... و عید بزرگ است.)
۲. روز به خاک مالیده شدن چهره شیطان	«...وَيَوْمٌ مَرَّعَمَةَ الشَّيْطَانِ.» (این روز، روز به خاک مالیده شدن چهره شیطان است.)
۳. روز لبخند در چهره مؤمنین	«وَهُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ.» (این روز، روز تبسم در چهره مردم است.)
۴. روز زینت و آراستگی	«وَهُوَ يَوْمُ الزَّيْنَةِ.» (این روز، روز زینت و آراستگی است.)

۱. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۴.



<p>«هَذَا يَوْمُ الْإِرْشَادِ.» (این روز، روز راهنمایی و هدایت است.)</p>	<p>۵. روز راهنمایی و هدایت</p>
<p>«وَهُوَ يَوْمٌ... مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ.» (این روزی است که... هر که در آن، مؤمنی را اطعام کند، مانند آن است که همه پیامبران و صدیقین را اطعام کرده است.)</p>	<p>۶. روز اطعام و مهمانی دادن</p>
<p>«وَهُوَ... يَوْمُ إِكْثَارِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.» (این روز... روز زیاد صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد <small>صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ</small> است.)</p>	<p>۷. روز صلوات</p>
<p>«هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ وَأَتَمَّ عَلَى أُمَّتِي فِيهِ النِّعْمَةَ.» (این روز، روزی است که خدا در آن، دین را کامل و نعمت را بر امت من تمام کرد.)</p>	<p>۸ و ۹. روز کامل شدن دین و اتمام نعمت</p>

<p>«هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَزِيدُ اللَّهُ فِي حَالِ مَنْ عَبَدَ فِيهِ وَوَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ وَنَفْسِهِ وَإِخْوَانِهِ.»</p> <p>(این روز، روزی است که خداوند بر حُسن حال بنده‌ای که در آن روز خدا را عبادت کرده و برای خود و خانواده و برادران دینی‌اش گشایش ایجاد کند، می‌افزاید.</p>	<p>۱۰. روز فزونی بخشی</p>
<p>«وَهُوَ... يَوْمُ نَشْرِ الْعِلْمِ.» (این روز، روز نشر دادن دانش است.)</p>	<p>۱۱. روز انتشار علم</p>
<p>«وَهُوَ يَوْمُ التَّهْنِئَةِ يَهْنِي بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَإِذَا لَقِيَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ يَقُولُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَّةِ.»</p> <p>(این روز، روز تهنیت‌گفتن است که برخی از شما باید به برخی دیگر مبارک باد و تهنیت گویند؛ پس چون مؤمنی برادرش را ملاقات کرد، بگوید: «ستایش خدایی را که ما را از تمسک‌کنندگان به ولایت امیرمؤمنان و دیگر امامان قرار داد.»)</p>	<p>۱۲. روز تهنیت و شادباش</p>



## پیام‌های غدیر و خطبه غدیر

از خطبه غدیر می‌آموزیم:

- امامت امتداد خط رسالت است.
- امامت همچون نبوت، مسئله‌ای غیبی، آسمانی، و حیانی و انتصابی است.
- امامت موجب صیانت از قرآن و دیانت است.
- نظام امامت تمام‌کننده دیانت است.
- امامت، کامل‌کننده امر رسالت است.
- پیوند با امامت، شرط اصلی دیانت است.
- بریدن از امامت، سبب استیلای شرک و نفاق است.
- پیروی از ولایت و پذیرش امامت، خواسته پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است.



- غدیرخم گره‌زدن امر رسالت به مسئله امامت است.
- غدیر، روز معرفی انسان ۲۵۰ ساله معصوم، برای هدایت بشر است.
- غدیر، پیامی هدایت‌ساز برای دوران غیبت است.
- غدیر، تجلی مستمر هدایت است.
- سرپیچی از راه غدیر، سقوط در چاه ضلالت است.
- ولایت قلب‌تپنده دیانت است.

از واقعه غدیر می‌آموزیم:

- امامت، جریانی صالح در بستر تاریخ، برای هدایت انسان‌هاست.
- غدیرخم معرفی آغاز و انجام امامت است.







- مهم‌ترین پیام غدیر برای نسل امروز، پیام مهدویت است.
- مهم‌ترین درخواست پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بیعت مردم با نظام امامت است.
- غدیرخم طلیعه معرفتی سلسله طیبه امامت، از امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام تا مهدی موعود عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف است.
- قرآن و ولایت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام، دو گوهر و دو یادگار و دو امانت رسول مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هستند.
- منافقان، دشمنان کینه‌توز نظام امامت و ولایت‌اند.
- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از خدا برای مخالفان علی عَلَيْهِ السَّلَام جز لعن و نفرین، چیزی نخواسته‌اند: «عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ... مَنْ خَذَلَهُ.»
- سفارش به ولایت و امامت، از آخرین سفارشات رسول معظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است.
- دین بدون حکومت و ولایت، دینی ناقص و ناکارآمد است.
- ابلاغ پیام غدیرخم، وظیفه‌ای همگانی و برای همه نسل‌ها و عصرهاست.
- ابلاغ پیام غدیرخم، کاری پیامبرگونه است.

- امامت همان بیعت با ولایت و ولایت همان سیاست پاک و معصومانه است.
- از منظر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سیاست عین دیانت و از دیدگاه اهل سقیفه، سیاست غیر دیانت است.
- حاکمیت امویان و عباسیان، از خسارت‌های جبران‌ناپذیر جداکردن امامت از حوزه سیاست است.
- اصلی‌ترین پیام غدیر، جدایی‌ناپذیری سیاست از دیانت است.
- مهم‌ترین اثر غدیر، هم‌افزایی دو حوزه قدرت دیانت و سیاست است.
- سرسخت‌ترین دشمن طرح اجرای غدیر و ولایت، منافقینِ تشنه قدرت‌اند.



## غدیر، روز معرفتی انسان ۲۵۰ ساله شایسته امامت

غدیرخم یا همایش بزرگ تاریخی امامت، روز معرفتی چهره‌های تابناک و شایسته‌ای است که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، لیاقت بهره‌مندی از ولایت معنوی و سیاسی و اجتماعی و دینی بر مردم را دارند. در روز غدیرخم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انسان ۲۵۰ ساله‌ای<sup>۱</sup> را معرفتی کردند که در مقاطع مختلف تاریخ، رهبری امت اسلامی را برعهده دارد و امت اسلام باید با او دست بیعت دهد و از او پیروی کند.

شایستگی‌های اهل بیت علیهم السلام تا به آن حد با عظمت و بی‌شمار است که نه فقط غدیر، افتخار و شرافت آنان حساب نمی‌شود، بلکه ایشان، سبب ایجاد غدیر و موجب افتخار و شرافت بخشیدن به واقعه غدیرند.

امام خمینی رحمة الله علیه در این باره فرموده‌اند:

۱. اشاره به تعبیر زیبایی رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) که برای سلسله امامت به کار برده‌اند و کتابی هم با همین عنوان منتشر شده است.

«مسئله غدیر، مسئله‌ای نیست که بنفسه برای حضرت امیر یک مسئله‌ای پیش بیاورد: حضرت امیر مسئله غدیر را ایجاد کرده است. آن وجود شریف که منبع همه جهات بوده است، موجب این شده است که غدیر پیش بیاید. غدیر برای ایشان ارزش ندارد. آن که ارزش دارد، خود حضرت است که دنبال آن ارزش، غدیر آمده است. خدای تبارک و تعالی که ملاحظه فرموده است که در بشر بعد از رسول الله کسی نیست که بتواند عدالت را به آن طوری که باید انجام بدهد [و] آن طوری که دلخواه است، انجام بدهد، مأمور می‌کند رسول الله را که این شخص را که قدرت این معنا را دارد که عدالت را به تمام معنا در جامعه ایجاد کند و یک حکومت الهی داشته باشد، این را نصب کن. نصب حضرت امیر به خلافت، این طور نیست که از مقامات معنوی حضرت باشد. [از] مقامات معنوی حضرت و مقامات جامع او این است که غدیر پیدا بشود و اینکه در روایات ما و از آن زمان تا حالا، این غدیر را آن قدر از [آن] تجلیل کرده‌اند، نه از باب این [است] که حکومت یک مسئله‌ای است؛ [نه] حکومت آن است که حضرت امیر به ابن عباس می‌گوید که: «به قدر این کفش



بی‌قیمت هم پیش من نیست!»<sup>۱</sup> آنچه هست، اقامهٔ عدل است. آن چیزی که حضرت امیر سلام‌الله‌علیه و اولاد او می‌توانستند در صورتی‌که فرصت به ایشان بدهند، [انجام بدهند] اقامهٔ عدل [است]... به آن طوری که خدای تبارک و تعالی رضا دارد، ...؛ لکن فرصت نیافتند.<sup>۲</sup>

بخش زیادی از خطبهٔ غدیریّهٔ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، دربارهٔ تبیین و معرفی شخصیت بی‌بدیل حضرت علی بن ابی‌طالب عَلَيْهِ السَّلَام و دیگر پیشوایان دین و بیان شایستگی‌های والای معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام در تصدّی مقام امامت و رهبری امت است. پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خطبهٔ غدیر با سه شیوه در پی بسترسازی برای پذیرش ولایت و اثبات امامت معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام بودند؛ این سه شیوه عبارت اند از:

---

۱. علی بن ابی‌طالب عَلَيْهِ السَّلَام، نهج البلاغه، خطبهٔ ۳۳.

۲. مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ، صحیفهٔ امام، ج ۲۰، ص ۱۱۲، به نقل از: نرم‌افزار صحیفهٔ امام، نسخهٔ ۳.





## ۱. شیوهٔ تعبّدی

در این روش، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با بهره‌گیری از آیات قرآن، به تبیین موضوع انتصاب امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به امامت از جانب خداوند و لزوم اعلام این مهم می‌پردازند؛ برای نمونه فرمودند:

◀ پروردگارا، تو این فرمان را بر من نازل فرمودی که پیشوایی و امامت بعد از من، به ولیّ تو [علی عَلَيْهِ السَّلَام] اختصاص دارد و من نیز این موضوع را بیان کردم و او را به این مقام منصوب کردم تا به این سبب، دینت را برای بندگانت کامل ساختی و نعمتت را برایشان تمام کردی و راضی شدی که اسلام دین آنان باشد که خود فرموده‌ای: «و هرکه از دینی غیر از اسلام پیروی کند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیان‌کاران است.»<sup>۱</sup> پروردگارا، تو را گواه می‌گیرم و تو را این شهادت بس که من تبلیغ خود را انجام دادم.<sup>۲</sup>

۱. آل عمران، ۸۵.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۱.

◀ و به من چنین وحی فرموده است: «به نام خداوند بخشایشگر مهربان. ای پیامبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد، [به مردم] ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی، رسالت او را ابلاغ نکرده‌ای و خدا تو را از مردم محفوظ خواهد داشت.»<sup>۱</sup> ای گروه مردم، من در تبلیغ آنچه خداوند بر من نازل فرمود، کوتاهی نکردم و سبب نزول این آیه را برایتان بیان می‌کنم: بدانید که جبرئیل سه بار به حضور من آمد و از سوی پروردگار من که اصل و مایهٔ سلام است، به من امر کرد که در این مکان به پا خیزم و به همهٔ افراد، هر سفید و سرخ و سیاهی، اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر و جانشین و وصی و امام بعد از من است که منزلت و جایگاه او نسبت به من، منزلت و جایگاه هارون نسبت به موسی است؛ جز اینکه پس از من پیامبری نیست و پس از خدا و رسول خدا، او [یعنی علی] ولی شماست.<sup>۲</sup>

۱. مائده، ۶۷.

۲. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۲.





◀ پس ای گروه مردم، بدانید کہ خداوند او [یعنی علی بن ابی طالب] را منصوب کرد تا بر شما ولی و امام باشد و اطاعت او را بہ نیکویی بر تمام گروه‌های مهاجر و انصار و تابعین آنان و بر حاضر و غائب و عرب و عجم و آزاد و عبد و کوچک و بزرگ و بر سفید و سیاه و ہر خداپرست، واجب فرمودہ است. فرمان او درخور اجرا و سخنش مقبول و امرش نافذ است.<sup>۱</sup>

... ای مردم، همانا من آن [یعنی ولایت] را بہ صورت امامت و وراثت تا روز قیامت در ذریئہ خودم بہ ودیعه می‌سپارم و بہ تحقیق آنچه را باید تبلیغ کنم، تبلیغ کردم و این حجّت است برای ہر حاضر و غایب.<sup>۲</sup>

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۵۹.

۲. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضۃ الواعظین و بصیرۃ المتعظین، ج ۱، ص ۹۶.



## ۲. شیوه تعقلی

در روش تعقلی، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ با استفاده از راهکار اقناعی و بیان فضایل و ویژگی‌های منحصر به فرد امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام و دیگر پیشوایان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام و نیز با توجه به قاعده ترجیح راجح بر مرجوح و فاضل بر مفضول، زمینه پذیرش عقلائی امامت حضرات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را فراهم آوردند.

برخی از ویژگی‌های امیرالمؤمنین و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام از زبان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عبارت است از:

◀ علی عَلَيْهِ السَّلَام اول مؤمن به خدا و رسالت رسول او و فدایی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

«إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِنَفْسِهِ.»<sup>۱</sup>

(او اولین کسی بود که به خدا و رسولش ایمان آورد و خود را فدای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ کرد.)

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۸.





◀ علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بہترین یاور و عزیزترین و نزدیکترین و سزاوارترین فرد بہ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيٌّ أَنْصَرَكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ.»<sup>۱</sup>

(ای مردم، این علی است: یاورترین فرد از میان شما برای من و سزاوارترین شما بہ من و نزدیکترین و عزیزترین فرد نزد من و خداوند عزّ و جل است و من از او راضی ہستم.)

◀ علی عَلَيْهِ السَّلَامُ یاور دین، باتقوا، پاک، ہدایتگر، ہدایت پذیر و بہترین جانشین:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَهُوَ التَّقِيُّ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَوَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ.»<sup>۲</sup>

(ای مردم، او کمک کار دین خدا و مدافع رسول خداست و او پرهیزکار، پاک سرشت، ہدایت کننده و

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۱.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۱.

هدایت شده است. پیامبر شما بهترین پیامبران و وصی او بهترین اوصیا و فرزندانش بهترین جانشینان اند.

◀ علی عَلَيْهِ السَّلَامُ وصف شده به صبر و شکر:

«إِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ»<sup>۱</sup>

(همانا علی کسی است که به صبر و شکرگزاری توصیف شده است.)

◀ علی عَلَيْهِ السَّلَامُ وصی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ انتقام گیرنده از ستمگران:

(ای مردم، من پیامبر هستم و علی وصی من است. بدانید که خاتم امامان، مهدی قائم، از ماست. اوست که دین را آشکار می کند [یعنی در دین مسلط و قاهر است] و از ستمگران انتقام می گیرد. همانا او گشاینده و ویرانگر دژهاست و اوست که تمام فرقه های مشرکان را شکست می دهد.)<sup>۲</sup>

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۲.

۲. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۷.





### ۳. شیوه تبشیری و اندازی

در این روش، رسول خدا ﷺ با بشارت به پاداش بزرگ ولایت‌مداری و اعلام خطر و عذاب برای ولایت‌گريزان، درصد اثبات امامت شایستگان هستند و می‌فرمایند:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنْذِرْكُمْ أَيْ رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرَّسُلُ»<sup>۱</sup>

(ای مردم، شما را بیم می‌دهم که من فرستاده خدا هستم که پیش از من نیز فرستادگانی بوده‌اند.)

◀ (ای گروه مردم، از خدا پروا کنید و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان بیعت کنید که مانند سخن پاکیزه و پایدارند و بدانید خداوند پیمان‌شکنان را هلاک می‌کند و وفاداران را مشمول رحمتش قرار می‌دهد؛ «پس هرکه پیمان بشکند، جز این نیست که به زیان خویش می‌شکند و هرکه بر عهد خود با خدا وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد.»)

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۲.

## غدیرباوران و غدیریاوران

از آغازین روز اعلام رسمی امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، انسان‌های سلیم‌النفس و پاکی که فطرت‌هایی الهی و ولایی داشتند، سخن و حیانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دربارهٔ جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام را به‌عنوان اندیشه‌ای دینی و باوری الهی، در ذهن و دل خویش تثبیت کردند و با بیعت صادقانه با حضرت علی علیه السلام و پذیرش ولایت و سرپرستی آن حضرت، در گروه غدیرباوران جای گرفتند.

درحقیقت، غدیرباوران کسانی هستند که پیام غدیر را به‌روشنی دریافته‌اند و موانع درونی مانند کبر، کینه، نفاق و حسادت و نیز موانع تبلیغاتی بیرونی مخالفان ولایت و جبههٔ شیاطین، آن‌ها را از دریافت این پیام باز نداشته است.

هر چند در طول تاریخ، شمار غدیرباوران اندک بوده است، همهٔ آن‌ها شخصیت‌هایی تأثیرگذار و برجسته بوده‌اند. از آنجا که پیام غدیر، فقط به حوزهٔ اعتقادی و قلبی محدود نمی‌شود و با حکومت و سیاست نیز مرتبط است، در





کنار غدیرباوری، غدیرباوری نیز شرط دیگر دریافت کامل پیام غدیر است.

غدیرباوران انسان‌هایی شجاع و زمان‌شناس و با بصیرت هستند که در یاری امیرالمؤمنین و دیگر پیشوایان دین، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند و با بیعت با ائمه‌ی زمان خویش حاضرند از مال و جان‌شان برای تحقق اهداف والای نظام امامت بگذرند.

در دوره‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام، غدیرباورانِ غدیرباور علاوه بر وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام و خاندان رسالت، افرادی مانند سلمان، ابوذر، مالک اشتر و عمار یاسر بودند؛ اما در مقاطع بعدی، با عظمت‌ترین و نام‌آورترین غدیرباوران در طول تاریخ، همان اصحاب سیدالشهداء علیهم السلام بودند که در حرکتی حماسی و نهضتی ماندگار، با ارائه‌ی الگویی تمام‌عیار، غدیرباوری را در دفتر تاریخ ثبت کردند.

پس از آنان، همه‌ی مصلحان و مجاهدان و شهدای دوستدار اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ، از غدیرباوران و غدیرباوران هستند که برای دفاع از ولایت در میدان عمل قدم گذاشته و با تلاش برای ترویج حاکمیت مکتب اهل بیت علیهم السلام،

تا آخرین نفس فداکاری و جانفشانی کرده‌اند. از جمله ایشان می‌توان به شهدای راه فضیلت، یعنی علمای راستین و مجاهدان خستگی‌ناپذیر اشاره کرد که در دفاع علمی و عملی از ولایت، سنگ تمام گذاشته‌اند؛ این گروه وفادار همان کسانی‌اند که از دعای مستقیم رسول خدا ﷺ بهره‌مند می‌شوند؛ زیرا پیامبر ﷺ در خطبه غدیریه فرمودند:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاحْذِلْ مَنْ حَذَلَهُ»<sup>۱</sup>

(خدایا، دوست مدار هرکه او را دوست بدارد و دشمن مدار هرکه او را دشمن بدارد و یاری کن هرکه او را یاری کند و واگذار هرکه او را واگذارد و دست از یاری‌اش بردارد!)  
پیامبر اکرم ﷺ در جای‌جای خطبه غدیر، از غدیرباوران و غدیریاوران با تعبیر گوناگون یاد کرده‌اند:

۱. محمد بن محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۷۶.





۱. «فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وُلِيًّا وَإِمَامًا... مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ مُؤْمِنٌ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.»<sup>۱</sup>

(پس ای گروه مردم، بدانید کہ خداوند متعال علی بن ابی طالب را بر شما ولی و امام قرار داده است... ہرکہ با او مخالفت کند، ملعون است و ہرکہ از او پیروی کند، مشمول رحمت خداست و ہرکہ او را تصدیق کند و بہ او گوش بسپارد و از او اطاعت کند، مشمول غفران خداوند می شود.)

۲. «مَعَاشِرَ النَّاسِ فَصَلُّوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.»<sup>۲</sup>

(ای گروه مردم، او [یعنی علی عليه السلام] را برتری دهید کہ خدا او را برتر قرار داده است و او را بپذیرید کہ خدا او را [بہ امامت] منصوب کرده است.)

۱ احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۵۹.

۲ احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۰؛ محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۳.



۳. «لَا يُؤَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ»<sup>۱</sup>

(ولایت علی علیه السلام را نمی پذیرد، مگر انسان باتقوا و به او ایمان نمی آورد، مگر مؤمن باخلاص.)

۴. «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ اللَّهَ قَدْ أَمَرْتَنِي وَنَهَانِي وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ وَعَلَيْهِ الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ وَانْتَهُوا لِنَهْيِهِ وَصِيْرُوا إِلَى مُرَادِهِ وَلَا تَتَفَرَّقْ بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ»<sup>۲</sup>

(ای مردم، همانا خداوند به من امر و نهی کرده است و من نیز علی را امر و نهی کرده‌ام و بر علی است که از جانب خدای عز و جل فرمان دهد و باز دارد؛ پس فرمانش را گوش داده و از نهی او باز ایستید و طبق خواسته او حرکت کنید و راه‌های گوناگون، شما را از پیمودن راه او باز ندارد و پراکنده نکند.)

۱. علی بن موسی بن طاووس، التحصین لأسرار ما زاد من اخبار کتاب الیقین، ص ۵۸۵.

۲. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶؛ احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۲.





۵. «الْإِنِّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَقَالَ: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾»<sup>۱</sup>،<sup>۲</sup>

(و همانا دوستداران ایشان [یعنی آنان که اهل بیت علیهم السلام را دوست دارند] همان مؤمنانی هستند که خداوند در کتاب خود، از آنان یاد کرده و فرموده است: «[ای رسول] هرگز گروهی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند، نخواهی یافت که با دشمنان خدا و رسول او دوستی کنند.»)

۶. «الْإِنِّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ﴿يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ... بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾»<sup>۳</sup>

(همانا دوستداران ایشان [یعنی آنان که اهل بیت علیهم السلام را دوست دارند] کسانی هستند که خدای عز و جل دربارهٔ آنان فرموده است: «بدون حساب وارد بهشت می‌شوند.»)

۱. مجادله، ۲۲.

۲. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶.

۳. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶ و ۹۷؛ احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۳.

## رسالت غدیریان

رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ درباره اهمیت واقعه غدیر و رسالت مردم در قبال آن فرمودند:

«فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»<sup>۱</sup>

(پس باید تا روز قیامت [این پیام را] حاضر به غایب و پدر به فرزند برساند.)

مراد از غدیریان، آن دسته از دریافت‌کنندگان پیام غدیرند که این حقیقت ماندگار را با جان و دل پذیرفته‌اند؛ یعنی علی‌باوران علی‌یاور و طرف‌داران نظام شایسته امامت و ولایت که به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و مکتب آسمانی ایشان وفادارند. غدیریان به‌طورکلی دو رسالت تاریخی برعهده دارند:

۱. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۲.





## اول: رسالت علمی و معرفتی

این رسالت که بیشتر ناظر به تلاش‌های علمی و معرفتی است، شامل چند حرکت می‌شود:

۱. معرفت‌شناسی امام و نظام امامت و اعتقاد به جدایی‌ناپذیری دین از سیاست؛
۲. معرفت‌شناسی غدیر به‌عنوان جریانی تاریخی؛
۳. شناخت و شناساندن دلایل قرآنی و روایی واقعه غدیر، به‌ویژه خطبه غدیریۀ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛
۴. رساندن پیام اصلی غدیر به دیگران، یعنی کفر به طاغوت‌های زمانه و دفاع از دیانت آمیخته با سیاست پاک.

## دوم: رسالت عملی

رسالت عملی غدیریان در ابعاد مختلف تعریف می‌شود و هر یک از این ابعاد، خود شامل چند رسالت است که بیان می‌شود:

## ۱. رسالت فردی

الف. مطالعه دقیق واقعه غدیر و خطبه غدیره؛

ب. تلاش برای اجرای پیام غدیر در زندگی شخصی، با برگزیدن سبک زندگی علوی؛

ج. بزرگداشت واقعه غدیر در زندگی شخصی، با عطرزدن، استفاده از لباس نو، ابراز شادی و... در این روز؛

ه. نوشتن کتاب و مقاله و سرودن شعر و خلق آثار هنری متناسب با واقعه غدیر؛

و. مطالعه و نشر فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام.

## ۲. رسالت خانوادگی

الف. ابلاغ پیام غدیر به اعضای خانواده؛

ب. بزرگداشت عید سعید غدیر در میان خانواده و خویشان، با برپایی جشن‌های خانوادگی به این مناسبت و

شادکردن اطرافیان با اهدای هدیه، اطعام، چراغانی و آذین‌بندی و خواندن عقد اُخوّت.



### ۳. رسالت اجتماعی

- الف. برپایی جشن‌های باشکوه عید سعید غدیر در سطح جامعه؛
- ب. شادکردن عموم مردم با اجرای برنامه‌هایی چون اطعام و آذین‌بندی خیابان‌ها و اهدای هدیه به‌ویژه کتاب‌هایی دربارهٔ واقعهٔ غدیر به دیگران؛
- ج. تبلیغ و فرهنگ‌سازی عمومی برای شناخت پیام واقعهٔ غدیر؛
- د. تلاش عملی برای حاکمیت‌بخشی احکام اسلام؛
- ه. تقویت روحیهٔ انتظار و استغاثه برای تعجیل در ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و تشکیل حکومت جهانی امامت؛
- و. دفاع عملی از حاکمیت نظام ولایت فقیه و حکومت‌های عادل در دوران غیبت.



## غدیرستیزان

پیام اصلی غدیر، روی کارآمدن دولتی با ساختار سیاسی ولایی و دینی، به رهبری امامانی معصوم است. از همان آغاز اعلام رسمی امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در غدیرخیم، مخالفت‌هایی آشکار و پنهان در ابعاد فرهنگی، تبلیغی، سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی برای از بین بردن این پیام الهی، شکل گرفت.

غدیرستیزی، با غصب فدک، غصب ۲۵ ساله خلافت، به شهادت رساندن حضرت زهرا علیها السلام، جلوگیری از نشر احادیث اهل بیت علیهم السلام، تحمیل سه جنگ خانمان سوز جمل و صفین و نهروان به امیرالمؤمنین علیه السلام، به شهادت رساندن امام مجتبی علیه السلام و سبب‌سازی برای فاجعه عاشورا و نسل‌کشی از ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله شروع شد که نتیجه این دسیسه‌های دامنه‌دار، به قدرت رسیدن بنی‌امیه و بنی‌عباس و دیگر ناصالحان و حکومتشان بر امت اسلام شد. غدیرستیزان در شکل‌های گوناگون و در قالب مکاتب فکری و گروه‌های سیاسی و اجتماعی و نظامی مختلف، اما با هدفی مشترک که همان سلب حق حاکمیت سیاسی اهل بیت علیهم السلام و حاکمانی عادل در عصر غیبت است، به



رویارویی با نظام امامت پرداختند. قطعاً، این حرکت و ستیز آن‌ها، برای امت اسلام با تأثیرات منفی و پیامدهای مخرب فراوانی همراه بوده است. در همین راستا، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خطبه غدیریه، مخالفان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و غدیرستیزان را به انواع بلاها و غضب الهی و عذاب‌های اخروی تهدید کرده‌اند:

◀ ای گروه مردم، او از جانب خدا امام است و خدا توبه منکر ولایت او را نمی‌پذیرد و به یقین چنین کسی را نمی‌آمرزد و بر خداست که این‌گونه رفتار کند با کسی که با دستورش درباره‌ی علی مخالفت کند و بر خداست که به شدت و تا ابد، چنین کسی را عذاب کند؛ پس از مخالفت با علی دوری کنید!

---

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۰.





◀ ای گروه مردم! علی را برتری دهید که او پس از من، از هر مرد و زنی برتر است. خداوند به واسطه ما روزی فرو می فرستد و خلق را باقی می دارد. نفرین شده است، نفرین شده است، مغضوب است، مغضوب است، هرکه این گفتار مرارد کند و با آن موافقت نکند! ... پس «هرکه بنگرد که برای فردای قیامتش چه چیزی از پیش فرستاده است و از خدا بترسید» که با او [یعنی علی عَلَيْهِ السَّلَام] مخالفت کنید. چه بسا قدم‌هایی که پس از استواری بلغزد؛ «به درستی که خداوند به آنچه می‌کنید، آگاه است».

... ای مردم، به زودی پس از من پیشوایانی خواهند آمد که «به سوی آتش دعوت می‌کنند و اینان در روز قیامت، هیچ کمکی دریافت نخواهند کرد.» ای مردم، خدا و من از اینان بیزاریم!

---

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۲.



بر اساس پژوهشی تاریخی، غدیرستیزان در طول تاریخ، بیشتر دو گروه عمده بوده‌اند:

### ۱. منافقین منصب طلب

در سخنی کوتاه می‌توان همه جریان غدیرستیزی و غدیرستیزان را در واژه «نفاق» خلاصه کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیریه، بارها و بارها، به موضوع شوم نفاق و منافقان اشاره کرده و خطر این جریان ضد دین را به امت گوشزد کرده‌اند:

در ابتدای امر از جبرئیل خواستم که مرا از ابلاغ این پیام به شما مردم معذور بدارد؛ [زیرا] از کمی تقوای پیشگان و زیادی منافقان و نیرنگ گناهکاران و فریب مسخره‌کنندگان اسلام آگاه بودم: همان‌ها که خداوند در کتابش وصفشان کرده است و می‌فرماید: «با زبان‌هایشان چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست»<sup>۱</sup> و

---

۱. فتح، ۱۱.



می‌پنداشتند «آن سخنی کوچک است؛ درحالی‌که نزد خداوند، عظیم است»<sup>۱</sup> و [نه يك بار، بلکه] همواره مرا بسیار می‌آزردند و شدت آزارم را به آنجا رساندند که مرا (أُذُن) (زودباور) نامیدند و گمان کردند، به‌علت همراهی زیاد علی با من و عنایت من به او، این چنین هستم؛ تا اینکه خداوند عزّ و جل این آیه را نازل فرمود: «و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را می‌آزارند و می‌گویند: 'او حرف‌ش نو زودباور است. 'بگو: زورباوری او برای شما نیکو و به‌نفعتان است. [بدانید] او به خدا ایمان دارد و [فقط] مؤمنان را تصدیق می‌کند و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند، رحمت است و آن‌ها که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند!»<sup>۳</sup> اگر بخواهم، می‌توانم از یک‌یک این افراد نام ببرم و به آن‌ها اشاره کرده و خصوصیات کاملشان را بیان کنم؛

۱. نور، ۱۵.

۲. توبه، ۶۱.

۳. توبه، ۶۱.





ولی به خدا قسم، درباره آن‌ها بزرگواری می‌کنم. با این همه، خدا از من راضی نمی‌شود؛ مگر آنچه به من وحی کرده است را برسانم؛ سپس این آیه را خواند: «ای پیامبر، برسان آنچه را [درباره علی بن ابی طالب] از سوی پروردگارت به تو نازل شده است که اگر این کار را نکنی، رسالتش را ابلاغ نکرده‌ای و [پروا نکن که] خدا تو را از [فتنه و گزند] مردم حفظ می‌کند.»<sup>۲</sup>

## ۲. قائلین به جدایی سیاست از دیانت

رگه‌های فکری این گروه که همان مقدّسین انزواطلب و روشن‌فکران راحت‌طلب هستند و در طول تاریخ، پرچم ستیز با غدیر را برافراشته‌اند، امروزه در میان اهل سنت و شیعه دیده می‌شود. این افراد که سیاست و دیانت را دو موضوع جدا از هم می‌پندارند و می‌کوشند دین را در چهارچوب موضوعی شخصی محدود کنند، خود دو دسته‌اند:

۱. مائده، ۶۷.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۵۹.

## الف. جریانی از اهل سنت

اولین ندای شوم جدایی سیاست از دیانت در صدر اسلام، با شعار: «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»<sup>۱</sup> و حذف اهل بیت از صحنه سیاست و حاکمیت جامعه، همراه بود. این ندای شیطانی، به تشکیل جریان خلافت منجر شد که در برابر نظام امامت قرار گرفت و زمینه ساز شکل گیری حکومت امویان و عباسیان شد. امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در این باره فرموده اند: طرح مسئله جدابودن سیاست از [دین و] روحانیت، چیز تازه ای نیست. این مسئله در زمان بنی امیه طرح شد و در زمان بنی عباس قوت گرفت. در این زمان های اخیر هم که دست های بیگانه در ممالک باز شد، آن ها هم به این مسئله دامن زدند؛ به طوری که مع الاسف، بعضی از اشخاص متدین و روحانیون متعهد هم باورشان آمده است!<sup>۲</sup>

۱. (کتاب خدا [یعنی قرآن] برای ما کافی است) (محمد بن محمد مفید، کتاب الامالی، ص ۳۶).

۲. (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، روحانیت و حوزه های علمیه از دیدگاه امام خمینی، ص ۲۹۱).





## ب. جریانی در درون شیعه

در میان شیعیان هم دو گروه، فریب شعار جدایی سیاست از دین را خورده‌اند:

۱. مقدّسین و عارف‌مسلکان؛ ۲. روشن‌فکران لیبرال.

امام خمینی رحمة الله علیه در تبیین تفکر انحرافی این افراد فرموده‌اند:

خیال کردند یک دسته زیادی که معنای عرفان عبارت از این است که انسان یک محلی پیدا بشود و یک ذکری بگوید و یک سری حرکت بدهد و یک رقصی بکند و این‌ها! این معنای عرفان است؟! مرتباً اعلای عرفان را امام علی علیه السلام داشته است و هیچ، این چیزها نبوده در کار. خیال می‌کردند که کسی که عارف است، باید دیگر به کلی کناره‌گیری کند از همه چیز و برود کنار بنشیند و یک قدری ذکر بگوید و یک قدری تغنی بشود و یک قدری چه بکند و دُکان داری! امیرالمؤمنین در عین حالی که «أَعْرِفَ خَلْقَ اللَّهِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ» در این امت، «أَعْرِفَ خَلْقَ اللَّهِ بِحَقِّ تَعَالَى» بود، معذک نرفت کنار بنشیند و هیچ‌کاری به هیچی نداشته باشد!

هیچ وقت هم حلقه ذکر نداشت. مشغول بود به کارهایش؛ ولی آن هم بود. یا [گاهی] خیال می شود که کسی که اهل سلوک است، اهل سلوک باید به مردم دیگر کار نداشته باشد: در شهر هرچه می خواهد بگذرد [، بگذرد]! من اهل سلوکم، بروم یک گوشه ای بنشینم و ورد بگویم و سلوک به قول خودش پیدا کند. این سلوک در انبیا زیادتر از دیگران بوده است، در اولیا زیادتر از دیگران بوده است؛ لکن نرفتند توی خانه شان بنشینند و بگویند که ما اهل سلوکیم و چه کار داریم که به ملت چه می گذرد [و] هرکه هرکاری می خواهد، بکند!

اگر بنا باشد که اهل سلوک بروند کنار بنشینند؛ پس باید انبیا هم همین کار را بکنند و نکردند. موسی بن عمران اهل سلوک بود؛ ولی مع ذلک رفت سراغ فرعون و آن کارها را کرد. ابراهیم هم همین طور، رسول خدا هم که همه می دانیم: رسول خدایی که سال های طولانی در سلوک بوده است، وقتی که فرصت پیدا کرد، یک حکومت سیاسی ایجاد کرد؛ برای اینکه عدالت ایجاد بشود. تبع ایجاد عدالت، فرصت پیدا





می‌شود برای اینکه هرکس، هرچیزی دارد، بیاورد. وقتی که آشفته است، نمی‌توانند. در یک محیط آشفته نمی‌شود که اهل‌عرفان عرفانشان را عرضه کنند، اهل‌فلسفه فلسفه‌شان را، اهل‌فقه فقه‌شان را؛ لکن وقتی حکومت، یک حکومت عدل الهی شد و عدالت را جاری کرد و نگذاشت که فرصت‌طلب‌ها به مقاصد خودشان برسند، یک محیط آرام پیدا می‌شود [و] در این محیط آرام، همه چیز پیدا می‌شود؛ ... به هیچ چیز مثل این امر سیاسی دعوت نشده است و این امر سیاسی بوده است، زمان پیغمبر بوده است، زمان امیرالمؤمنین بوده است، بعدها هم اگر یک فرصت پیدا می‌شد، آن‌ها هم داشتند این معنا را. انحرافات زیاد شده است. بعضی از اهل‌علم خودمان هم همین معانی را دارند: «لباس جُندی حرام است: لباس شهرت است [و] به عدالت مضر است.» حضرت امیر عادل نبوده [است]؟ حضرت سیدالشهدا هم عادل نبوده [است]؟ حضرت امام حسن هم عادل نبوده [است]؟ پیغمبر اکرم هم عادل نبوده [است]؟ برای اینکه لباس جُندی داشتند! این‌ها را تزریق کردند به ما. به ما آن‌طور دست‌های توطئه‌گر تزریق کردند





که ماها هم باورمان آمده است. [مثلاً می‌گویند:] تو چه کار داری به اینکه چه می‌گذرد! تو مشغول درست باش! تو مشغول فقهات باش! تو مشغول فلسفات باش! تو مشغول عرفانت باش! چه کار داری که چه می‌گذرد! در آن وقت، اوایلی که این مسائل پیش می‌آمد، یکی از رفقای ما که بسیار خوب بود، بسیار مرد صالحی بود و اهل کار هم بود؛ لکن من وقتی یک قضیه را صحبت کردم که در این قضیه ما باید تحقیق کنیم، گفت: «به ما چه کار دارد؟ حاصل امر سیاسی است. به ما چه کار دارد!» این طور تزریق شده بود که یک مرد عالم روشن فکر متوجه به مسائل، این طور می‌گوید که به ما چه کار دارد. پیغمبر هم می‌گفت سیاست به ما چه کار دارد؟ امیرالمؤمنین هم که حکومت داشت،... حکومتی داشت برای ذکرگفتن و برای قرآن خواندن و برای نماز خواندن و همین دیگر؟! حکومت بود، ولایت بود و تجهیز جیوش<sup>۱</sup> بود. عرض می‌کنم حکومت‌ها در نصب کردن این‌ها بود. همه‌اش سیاست است این‌ها.

۱. تجهیز لشکرها.



آنی که می‌گویند که آخوند چه کار دارد به سیاست، آنی که با آخوند خوب نیست، این با اسلام بد است. می‌خواهد آخوند را کنار بگذارد که می‌تواند یک‌کاری توی مردم انجام بدهد و [در نتیجه، خودشان] هرکاری دلشان می‌خواهد، بکنند و لهذا این‌طور شد؛ البته علمای ما در طول تاریخ، این‌طور نبود [ه است] که منعزل از سیاست باشند. مسئله مشروطیت، یک مسئله سیاسی بود و بزرگان علمای ما در آن دخالت داشتند [و] تأسیسش کردند. مسئله تحریم تنباکو یک مسئله سیاسی بود و میرزای شیرازی+ این معنا را انجام داد. در زمان‌های اخیر هم مدرس، کاشانی، این‌ها مردم سیاسی بودند و مشغول کار بودند؛ اما به قدری قدرت داشت این دست قوی توطئه‌گر که نمی‌شد از فکر حتی اهل علم محترم هم بیرون کرد به اینکه نه، مسئله این‌طور نیست.<sup>۱</sup>

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۶ تا ۱۱۸، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه ۳.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای عنه‌السلام نیز در این باره فرموده‌اند:

خیلی از اوقات، اتفاق می‌افتاد که کسانی در جامعه، در جامعهٔ زمان خلفا، اهل زهد بودند و اهل علم بودند و معروف به تفسیر و به علم و به این چیزها. خلفا هم با آن‌ها نه فقط معارضه‌ای نمی‌کردند، بلکه حتی مخلص آن‌ها بودند، اظهار ارادت نسبت به آن‌ها می‌کردند، پیش آن‌ها می‌رفتند، از آن‌ها نصیحت می‌خواستند. چرا؟ چون آن‌ها در مقابل خلفا داعیهٔ سیاسی نداشتند. امثال حسن بصری و ابن‌شُبْرَمَه و یا عمرو بن عبید، این بزرگان از علمایی که مورد توجه و قبول خلفا بودند، این‌ها کسانی بودند که ادعای علم و ادعای زهد و ادعای معنویت و ادعای تفسیر و ادعای علوم پیغمبر و همهٔ این ادعاها را داشتند؛ اما نسبت به آن‌ها هیچ‌گونه از طرف خلفا تعرضی نبود. چرا؟ چون داعیهٔ قدرت سیاسی وجود نداشت.<sup>۱</sup>

۱. مؤسسهٔ فرهنگی هنری ایمان جهادی صهبا، انسان ۲۵۰ ساله (بیانات مقام معظم رهبری دربارهٔ زندگی سیاسی مبارزاتی ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام)، ص ۲۴.



حضرت آیت‌الله جوادی آملی حَفِظَهُ اللهُ در تفسیر زیارت جامعه کبیره و ذیل عبارت «وَّ سَاسَةَ الْعِبَادِ» فرموده‌اند:

شعار شوم «جدایی دین از سیاست» ساخته نیرنگ سیاسیون سیاسی‌کارِ دغل‌باز و پرداخته جمود و جهل تسبیح‌به‌دستان عافیت‌طلب و روشن‌فکر نمایان غافل، وابسته یا غیروابسته است؛ وگرنه هیچ سیاست‌مدار حکیمی، سیاست را از دین جدا نمی‌داند؛ بلکه آن‌دو را کاملاً بهم پیوسته و مرتبط می‌شمرد. سیاسیونِ هوامدار و هوس‌پرست در راستای اعمال سلطه سیاسی و حاکمیت فکری و فرهنگی خود، برای مقابله با ادیان حقیقی که نسبت به سلطه‌گران حالت پرخاشگری و تهاجم دارند، اقدام به دین‌سازی، مذهب‌تراشی و انحراف ادیان راستین الهی با نام قرائت جدید و امثال آن می‌کنند و در این راه، همت می‌گمارند و از آن، به‌عنوان زمینه‌ساز حضور فکری و سیاسی سلطه‌گرانه خود استفاده می‌کنند.

اسلام آمریکایی و مسیحیت آمریکایی نمونه تحریف ادیان [است و] بهائیت در عالم شیعه و وهابیت در دنیای تسنن، نمونه‌های مذهب‌تراشی است. از یک سو غداره‌بندان سیاسی‌کار، خنجر را از رو بسته و مسلح

به انواع سلاح‌های سیاسی، فکری، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و... در پناه آتش تهیه فراهم آمده از مساعدت، همکاری و هم‌فکری عافیت‌طلبان و روشن‌فکران داخلی و با استفاده از غفلت و خواب‌آلودگی ملت‌ها، حمله گسترده، فراگیر و همه‌جانبه خود را برای درهم‌ریختن بنیادهای دینی و اعتقادی جبهه متدینان و دین‌باوران آغاز کرده، به فساد و اِهلاک حرث و نسل پرداخته‌اند. از دیگر سو [نیز] عده‌ای با اعلام آتش‌بس! همان‌گونه که امام راحل عظیم‌الشأن رحمة الله عليه با قیام و اقدام خود، مسلمانان را از شرّ اسلام آمریکایی خلاص و با دم روح‌اللّهی خود، اسلام ناب محمدی را احیا و به دنیا معرفی کرد، مسیحیت راستین عیسی بن مریم عليه السلام نیز احتیاج به روح‌اللّهی دارد که با دم عیسوی خود، دنیای غرب را از فتنه و فساد مسیحیت محرف و منحرف آمریکایی نجات بخشد و مسیحیت ناب عیسوی را به جهانیان بشناساند.

...از سوی سوم، گروهی با تهاجم فرهنگی، قدح منحرفانه زیرکان و عده‌ای با دل‌بستگی به مدح منحرفانه [و مبالغه‌آمیز و ناآگاهانه] غافلان، صحنه فرهنگ ناب را رها کرده و میدان سباق و محاوره و مناظره علمی را





ترک گفتند. این‌ها نه تنها سلاح هجوم به بیگانه را به دست نگرفته‌اند، بلکه سلاح دفاع از خود را نیز زمین نهادند [و] در مقابل، قلم غفلت یا تسبیح تحجر به دست گرفته، لباس رزم را درآورده، لباس عافیت کاذب که در واقع ثوب مذلت است، به تن کرده‌اند. [این‌ها] آیه: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ...﴾ و امثال آن را فراموش کرده، به اذکار و اوراد شخصی که هیچ‌کس ترس و واهمه‌ای از آن ندارد، روی آورده‌اند و برخی نیز با بیان و بنانشان، شعارهای انحرافی و بیگانه از فرهنگ اسلام را تکرار می‌کنند و خلاصه به جای حل مسئله، صورت مسئله را پاک کرده‌اند. هر دو گروه، باید جواب بدهند. عهدنامه مالک اشتر نخعی با نغمه ناموزون جدایی دین از سیاست، چگونه قابل جمع است؟ چطور می‌توان اقدام رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای تشکیل حکومت اسلامی در اولین فرصت ممکن پس از هجرت و تلاش امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام برای تصدی امر خلافت پس از رحلت آن حضرت را دید و تصویر صحیحی از اسلام منهای سیاست ارائه داد؟!<sup>۱</sup>

۱. عبدالله جوادی آملی، ادب؛ فنای مقربان، ج ۱، ص ۲۶۰.

## حکومت ولّی فقیه؛ استمرار جریان غدیر در دوران غیبت

به استناد خطبه غدیریّه پیامبر ﷺ، مهم ترین و اصلی ترین پیام این خطبه، پیام سیاسی آن، یعنی دولت سازی با محوریت نظام امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان معصوم ایشان و پذیرش ولایت و حکومت عادلانه آنهاست. تمرد و سرپیچی تاریخی از غدیر، سبب حاکمیت بیگانگان بر سرنوشت اسلام و مسلمین یا حاکمیت اسلام غیرولایی و حکومت ظالمانه حاکمانی غاصب و فاسد شد که این راه شوم و تاریک، در پایان دوره امام یازدهم، به غیبت دوازدهمین پیشوای آسمانی انجامید.

دوران غیبت، دورانی بسیار پرالتهاب و پرفتنه و طاقت فرساست؛ اما فرزندان غدیر برای انجام حداقل وظایف خود در برابر غدیر و اعلام آمادگی به منظور برپایی دولت امام مهدی علیه السلام لازم است ضمن زمینه سازی اجتماعی برای ظهور، با مجاهدتی خستگی ناپذیر برای تحقق و یاری حاکمیت و حکومت ولّی فقیه همت گمارند تا در حدّ توان و استطاعت، به پیام واقعه غدیر جامه عمل پوشانیده شود.





امام مهدی علیه السلام فرموده‌اند: «... وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»<sup>۱</sup>  
 (...و درباره [حکم] پیشامدهای تازه به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آن‌ها حجّت من بر شمایند و من حجّت خدا بر آن‌ها.)

امروزه بزرگ‌ترین مشکل مسلمانان و شیعیان که سبب سرگردانی آن‌ها شده است، مسئله حاکمیت و حکومت و تسلّط دشمنان دین بر ذهن و دل و منابع مادی و معنوی جهان اسلام است؛ از این رو، لازم است همگی برای خنثی‌سازی تحرکات و دسیسه‌های دشمنان و اجرای شایسته قوانین اسلام، از نظام ولایت فقیه پشتیبانی کنیم؛ امید است از این رهگذر بتوانیم خود و جامعه خویش را در مقام عمل، در طومار دریافت‌کنندگان پیام غدیر قرار دهیم و زمینه‌های ظهور امام عصر علیه السلام را برای اجرای هدف نهایی غدیر، یعنی تشکیل حکومت جهانی با محوریت امام معصوم علیه السلام فراهم سازیم.

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴.



امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در این زمینه فرموده‌اند:

...بعد از رسول اکرم کسی افضل از او در هیچ معنایی نیست و نخواهد بود؛ لکن در مراتب بعد هم که باید این امت هدایت بشود، پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ که از دنیا می‌خواست تشریف ببرد، تعیین جانشین و جانشین‌ها را تا زمان غیبت کرد و همان جانشین‌ها تعیین امام امت را هم کردند [و] به‌طورکلی این امت را به خود وانگذاشتند که متحیر باشند: برای آن‌ها امام تعیین کردند، رهبر تعیین کردند. تا ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بودند، آن‌ها بودند و بعد فقها: آن‌هایی که متعهدند، آن‌هایی که اسلام‌شناس‌اند، آن‌هایی که زهد دارند [و] زاهدند، آن‌هایی که اعراض از دنیا دارند، آن‌هایی که توجه به زرق و برق دنیا ندارند، آن‌هایی که دلسوز [ند] برای ملت [و] آن‌هایی که ملت را مثل فرزندان خودشان می‌دانند، آن‌ها را تعیین کردند برای پاسداری از این امت.<sup>۱</sup>

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۲، به نقل از: نرم‌افزار صحیفه امام، نسخه ۳.





همین بزرگوار برای دفع توهم شبهه افکنان در هم طرازی ولّی فقیه با معصوم صلی الله علیه و آله، ضمن تفکیک عالمانه این دو موضوع، در نظریه ولایت فقیه فرموده‌اند:

وقتی می‌گوییم ولایتی را که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام داشتند، بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، برای هیچ‌کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه علیهم السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله است؛ زیرا اینجا صحبت از مقام نیست؛ بلکه صحبت از وظیفه است. ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه سنگین و مهم است؛ نه اینکه برای کسی شأن و مقام غیرعادی به وجود بیاورد و او را از حدّ انسان عادی بالاتر ببرد. به عبارت دیگر، ولایت مورد بحث، یعنی حکومت و اجرا و اداره، برخلاف تصویری که خیلی از افراد دارند، امتیاز نیست؛ بلکه وظیفه‌ای خطیر است. از امور اعتباری عقلائی است و واقعیتی جز جعل ندارد، مانند جعل قیّم برای صغار. قیّم ملت با قیّم صغار، از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد. مثل این است که امام کسی را برای حضانت، حکومت یا منصبی از مناصب تعیین کند. در این موارد،

معقول نیست که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امام با فقیه فرق داشته باشد.

مثلاً یکی از اموری که فقیه متصدی ولایت آن است، اجرای حدود است. آیا در اجرای حدود، بین رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امام و فقیه امتیازی است یا چون رتبه فقیه پایین تر است، باید کمتر بزند؟ حدّ زانی که صد تازیانه است، اگر رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جاری کند، ۱۵۰ تازیانه می زند و حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام صد تازیانه و فقیه، پنجاه تازیانه؟ یا اینکه حاکم، متصدی قوه اجرائیه است و باید حدّ خدا را جاری کند؛ چه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ باشد و چه حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام یا نماینده و قاضی آن حضرت در بصره و کوفه یا فقیه عصر.

دیگر از شئون رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام اخذ مالیات، خمس، زکات، جزیه و خراج اراضی خراجیه<sup>۱</sup>

۱. اراضی خراجیه یا زمین های خراجی به زمین های آباد گفته می شود که مسلمانان به فرمان پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یا امام معصوم، آن را فتح کرده باشند. این نوع زمین ها به تمام مسلمین تعلق دارد و خرید و فروش آن ممنوع است. حکومت اسلامی آن ها را واگذار می کند و در برابر استفاده از آن، مالی دریافت می کند که به آن خراج می گویند.





است. آیا رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اگر زکات بگیرد، چقدر می‌گیرد؟ از یک جا، ده یک و از یک جا، بیست یک [می‌گیرد]؟ حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام [که] خلیفه شدند، چه می‌کنند؟ جناب عالی [که] فقیه عصر و نافذالکلمه شدید، چطور؟! آیا در این امور، ولایت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با [ولایت] حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و فقیه فرق دارد؟ خداوند متعال رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را «ولیی» همهٔ مسلمانان قرار داده [است] و تا وقتی آن حضرت باشند، حتی بر حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام ولایت دارند. پس از آن حضرت، امام بر همهٔ مسلمانان و حتی بر امام بعد از خود، ولایت دارد؛ یعنی او امر حکومتی او دربارهٔ همه نافذ و جاری است و می‌تواند قاضی و والی نصب و عزل کند. همین ولایتی که برای رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی اداره هست، برای فقیه هم هست... در این معنا، مراتب و درجات نیست که یکی در مرتبهٔ بالاتر و دیگری در مرتبهٔ پایین‌تر باشد؛ [به این معنا که] یکی والی و دیگری والی‌تر باشد!

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۵۰.

## غدیرخم و تبیین اندیشه و راهبرد تاریخی سیاسی شیعه

۱. در نگاه شیعه و مکتب اهل بیت علیهم السلام نبوت و همه آرمان‌ها و مشخصه‌ها و امتیازهایش، البته به استثنای وحی تشریحی آن، در امام و نظام امامت، استقرار و تجلی یافته است. امامان معصوم علیهم السلام در فرهنگ تشیع، مانند پیامبر، سه شأن و مقام «دینی» و «قضایی» و «حکومتی و اجرایی» دارند و همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه، در هر سه عرصه گفته شده، ولایت و اختیارات کامل داشتند، امامان و خلفای صالح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز از این سه شأن پیامبرانه برخوردارند. به همین دلیل و بر اساس پیام غدیر، شیعه اصرار دارد که حق حاکمیت سیاسی مشروع و الهی امام را تثبیت کند تا امام در کنار امور دینی و عبادی، به حق حاکمیت و دولتی‌سازی و استقرار نظامی سیاسی و الهی دست یابد و بتواند احکام دین را در بستر جامعه و جهان جاری کند؛ البته این مهم، وظیفه‌ای دینی برای امامان معصوم علیهم السلام و پیروان آنهاست.

غدیرخم طلیعه نظام ولایی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تبیین‌کننده اندیشه سیاسی و راهبرد اسلام ناب محمدی برای





همیشه تاریخ و تا قیام قیامت است؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا بَلَّغْتُ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَلَمْ يُؤَلَّدْ فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ!

ای گروه مردم، همانا من آن [یعنی ولایت] را به صورت امامت و وراثت تا روز قیامت در ذریه خودم به ودیعه می سپارم و به تحقیق آنچه را باید تبلیغ کنم، تبلیغ کردم و این حجت است برای هر حاضر و غایب و بر هر کس شاهد بوده یا شاهد نبوده است و هنوز متولد نشده است؛ پس شاهدان به غایبان برسانند و پدران به فرزندان تا روز قیامت ابلاغ کنند.

چنان که پیش از این گفته شد، در برابر این اندیشه سیاسی، علاوه بر جریانات باطل خارج از اسلام، دو جریان منحرف درون اسلامی نیز وجود دارد:

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶.

## ۱. اندیشهٔ اسلام غیرسیاسی و دیانت بدون سیاست و اسلام غیرحکومتی:

این اندیشهٔ انحرافی، مربوط به متحجّران، عارف‌مسلکان گوشه‌گیر، مقدس‌نماها، روشن‌فکران لیبرال و راحت‌طلبان است.

## ۲. اندیشهٔ اسلام سیاسی غیرمعصومانه و پذیرش هر نوع حاکمیت و حاکمی بر سرنوشت اسلام و مسلمین:

این دیدگاه مانند نظام خلافت در میان اهل سنت است و پذیرش چنین تفکری، به پذیرش حاکمیت اسلام اموی و عباسی و در یک کلام، اسلام آمریکایی منجر می‌شود. اما بر مبنای طرح‌وارهٔ غدیرخم، مکتب اسلام و دین اولاً برای اجرای حدود و احکام اسلامی، نظام اجرایی و سیاسی دارد و ثانیاً هر نوع حکومت و حاکمیتی را بر نمی‌تابد؛ بلکه حاکم باید معصوم بوده و در زمان غیبت امام معصوم نیز، حاکم باید عادل باشد. بر این مبنای سخن رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در عید غدیرخم که فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً»<sup>۱</sup>

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۰.





به معنای اثبات ولایت سیاسی و انتصاب امیرالمؤمنین علی و فرزندان معصوم ایشان به مقام امامت و خلافت است، آن هم با تمام اختیارات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛ اما با کمال تأسّف، مخالفان ولایت، ولایت را در این کلام مبارک پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر معنای دیگر حمل کردند و گفتند: «مراد از ولایت و ولی در سخن رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ولایت سیاسی و حکومتی و اجرایی نیست؛ بلکه منظور از آن ولاء، فقط حبّ است!»

در ردّ این شبهه و برداشت شیطنت‌آمیز، علامه امینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در جلد دوم کتاب ارزشمند الغدير به سخن ۴۲ نفر از پیشوایان علم لغت و عربی استناد کرده‌اند که بنا بر گفته همگی آن‌ها، مولا بر اثبات «ولاء» به معنای «أولی بالتّصرف» یا همان ولای سرپرستی و سیاسی دلالت دارد؛ اما علاوه بر استنادات لغوی، با ذکر پنج وجه می‌توان فهمید که منظور، ولای سیاسی است:

۱. اگر منظور ولای محبت و دوستی باشد، پس دیگر نباید میان شیعه و سنی اختلافی باقی بماند؛ زیرا بسیاری از اهل سنت به جز ناصبی‌ها، محبّ اهل بیت السَّلَامُ عَلَيْهِمْ هستند؛ اما امتیاز شیعه نسبت به اهل سنت آن است که



- از دیدگاه شیعه، علاوه بر داشتن حبّ علی علیه السلام باید آن حضرت را به عنوان امام و خلیفه اول مسلمین پذیرفت؛
۲. اگر منظور پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام لزوم محبت و ورزی به امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود، هیچ دلیلی نداشت که برای این اعلام، از موقعیتی مانند حجة الوداع و حضور بیش از صد هزار نفری حاجیان در وادی غدیر خم استفاده کنند؛
۳. از آنجا که ولایت تکمیل کننده رسالت است، فقط محبت و ورزی به حضرت علی علیه السلام کامل کننده و تضمین کننده بقای دین نیست؛ بلکه پذیرش ولایت سیاسی علی علیه السلام، کامل کننده دین و رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می رود و به همین دلیل، خداوند متعال خودداری از اعلام جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام را ناتمام گذاشتن وظیفه رسالت دانسته و فرموده است: **﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾**<sup>۱</sup>
- (و اگر [اعلام ولایت امیرالمؤمنین را] به انجام نرسانی، رسالت الهی را ادا نکرده ای!)
۴. همه اهل بیت علیهم السلام از امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام گرفته تا دیگر امامان علیهم السلام، در مواضع مختلف،



برای اثبات حق حکومتی خویش و نه اثبات وجوب محبت دیگران به خود، به سخن رسول خدا ﷺ استناد کرده‌اند که فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»<sup>۱</sup>

۵. محبت اهل بیت عليهم السلام موضوعی درونی و قلبی است که غصب آن معنا ندارد؛ اما ولای سیاسی و حق حکومتی، امری خارجی است که امکان غصب آن وجود دارد و از آنجا که رسول خدا ﷺ درباره غصب این حق حکومتی اهل بیت عليهم السلام احساس خطر می‌کردند، ولایت و امامت امام علی عليه السلام را در حضور همه مردم، در غدیر خم به صورت رسمی اعلام کردند و با درخواست بیعت از مردم، به تثبیت حق حاکمیت سیاسی امیرالمؤمنین عليه السلام پرداختند؛ ولی متأسفانه پس از آن، این حق از سوی ناهلان غصب شد.

امام خمینی رحمة الله عليه که خود از دریافت‌کنندگان پیام غدیر بودند، در تبیین اینکه غدیر نقطه آغاز حرکت سیاسی مشروع در ساختار نظام امامت است، فرموده‌اند:

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۰.

مسئله [غدیر]، مسئله حکومت است. مسئله، مسئله سیاست است، حکومتِ عدل<sup>۱</sup> سیاست است، تمام معنای سیاست است. خدای تبارک و تعالی این حکومت را و این سیاست را امر کرد که پیغمبر به حضرت امیر واگذار کنند؛ چنان که خود رسول خدا سیاست داشت و حکومت بدون سیاست ممکن نیست! این سیاست و این حکومتی که عجین با سیاست است، در روز عید غدیر، برای حضرت امیر ثابت شد. اینکه در روایات هست که «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ»<sup>۲</sup> این ولایت، ولایت کلی امامت نیست. آن امامتی که هیچ عملی مقبول نیست [و] قبول نمی شود، الا به اعتقاد به امامت، این معنایش این حکومت نیست.

خب، ما بسیاری از ائمه مان حکومت نداشتند. ما الان معتقدیم که حضرت امیر در یک برهه از زمان به

۱. برابر

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸.



حکومت رسید، حضرت امام حسن علیه السلام هم یک مدت بسیار بسیار کمی به حکومت رسید؛ [ولی] باقی ائمه حکومت نداشتند. آنچه خدای تبارک و تعالی جعل کرد و دنبالش هم برای ائمه هدی جعل شده است، حکومت است؛ لکن نگذاشتند که این حکومت ثمر پیدا بکند؛ بنابراین، حکومت را خدا جعل کرده است برای حضرت امیر (سلام الله علیه).

این حکومت یعنی سیاست، یعنی عجین با سیاست. از اعوجاج‌هایی که پیدا شده است، مع‌الأسف این است که یعنی اعوجاج زیاد پیدا شده [است]؛ اما بزرگ‌ترینش این است که دست‌هایی از زمان سابق، از زمان خلفای اموی و خلفای عباسی (علیهم لعنة الله)، از آن زمان، دست‌هایی پیدا شده است که بگویند که دین علی حده از مسائل است و سیاست علی حده از حکومت است. هرچه طرف پایین آمده است، این قوت گرفته است تا وقتی بازیگرهای دنیا که دیدند باید دین را یک چیز تعبّدی قرار داد، این بازیگرها آمدند و این‌طور کردند و ماها هم باورمان آمده بود که دین چه کار دارد به سیاست؟ سیاست مال امپراتورها [است].





این معنایش این است که تخطئه کنیم خدا را و رسول خدا را و امیرالمؤمنین را؛ برای اینکه حکومت سیاست است. حکومت که دعاخواندن نیست، حکومت که نماز نیست، حکومت روزه نیست. حکومت [یعنی] حکومت عدل، اسباب این می‌شود که این‌ها اقامه بشود؛ اما خود حکومت، یک دستگاه سیاسی است. آن‌که می‌گوید دین از سیاست جداست، تکذیب خدا را کرده، تکذیب رسول خدا را کرده است، تکذیب ائمه هدی را کرده است.<sup>۱</sup>

فرموده این بزرگوار درباره اصل‌ترین پیام غدیر، یعنی جدایی‌ناپذیری دین از سیاست و جریان همیشه جاری غدیر در بستر تاریخ بشر نیز شنیدنی است:

غدیر آمده است که بفهماند که سیاست به همه مربوط است [و] در هر عصری باید حکومتی باشد با سیاست؛ منتها سیاست عادلانه که بتواند به واسطه آن سیاست، اقامه صلاة کند، اقامه صوم کند، اقامه

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۳ و ۱۱۴، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه ۳.



حج کند، اقامه همه معارف را بکند و راه را باز بگذارد برای اینکه صاحب افکار، یعنی آرام کند که صاحب افکار، افکارشان را با دلگرمی و با آرامش ارائه بدهند.<sup>۱</sup>

حضرت امام علیه السلام که نظریه سیاسی ولایت فقیه را برگرفته از غدیر خم می دانستند، در تبیین این موضوع چنین فرموده اند:

نظریه شیعه در مورد طرز حکومت و اینکه چه کسانی باید عهده دار آن شوند، در دوره رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا زمان غیبت واضح است. به موجب آن، امام باید فاضل و عالم به احکام و قوانین و در اجرای آن عادل باشد. اکنون که دوران غیبت امام پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می آید. ... اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۵، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه ۳.

کنید؟ دیگر اسلام نمی‌خواهیم؟ اسلام فقط برای دویست سال بود؟ یا اینکه اسلام تکلیف را معین کرده است؛ ولی تکلیف حکومتی نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود و ما با بی‌حالی، دست روی دست بگذاریم که هرکاری می‌خواهند، بکنند و ما اگر کارهای آن‌ها را امضا نکنیم، رد نمی‌کنیم! آیا باید این‌طور باشد یا اینکه حکومت لازم است و اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است؟

این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد، در عده بی‌شماری از فقهای عصر ما موجود است. اگر باهم اجتماع کنند، می‌توانند حکومت عدل عمومی [را] در عالم تشکیل دهند. اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد، به‌پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در امر





ادارهٔ جامعه داشت، دارا می‌باشد و بر همهٔ مردم لازم است که از او اطاعت کنند.<sup>۱</sup>

امام امت در بیانات خود، به موضوع زندانی‌شدن حقیقت غدیر در برهه‌ای از تاریخ و تلاش برای آزادکردن این جریان اصیل و برخاسته از وحی و کلام نبوی نیز پرداخته‌اند:

...غدیر منحصر به آن زمان نیست. غدیر در همهٔ اعصار باید باشد و روشی که حضرت امیر در این حکومت پیش گرفته است، باید روش ملت‌ها و دست‌اندرکاران باشد. قضیهٔ غدیر، قضیهٔ جعل حکومت است. این است که قابل نصب است؛ و الاً مقامات معنوی قابل نصب نیست: یک چیزی نیست که با نصب، آن مقام پیدا بشود.<sup>۲</sup>

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۴۸.

۲. صحیفهٔ امام، ج ۲۰، ص ۱۱۲.



رهبر معظم انقلاب علیه السلام نیز در تبیین تفکر سیاسی اهل بیت علیهم السلام و تلاش ایشان برای تشکیل حکومت در طول تاریخ پس از غدیر خم و رویارویی حاکمان فاسد با امامان علیهم السلام فرموده‌اند:

تمام این نزاعی که شما در طول دوران زندگی ائمه علیهم السلام بین آن‌ها و دستگاه‌های ظلم و جور مشاهده می‌کنید، بر سر همین قضیه است. آن‌هایی که با ائمه ما مخالفت می‌کردند، آن‌ها را مسموم می‌کردند، مقتول می‌کردند، زندان می‌انداختند [و] محاصره می‌کردند، دعوایشان بر سر داعیه حکومت ائمه علیهم السلام بود. اگر ائمه داعیه حکومت نداشتند، ولو علوم اولین و آخرین را هم به خودشان نسبت می‌دادند [و] اگر بحث قدرت سیاسی نبود، داعیه قدرت سیاسی نبود، هیچ‌گونه تعرضی نسبت به آن‌ها انجام نمی‌گرفت [یا] لاقلاً به این شدت انجام نمی‌گرفت؛ اصلاً مسئله این است! لذا شما می‌بینید در بین دعوت‌ها و تبلیغات ائمه علیهم السلام روی کلمه امامت و مسئله امامت حساسیت بسیار بالایی است؛ یعنی وقتی که امام صادق هم می‌خواهد ادعای حاکمیت اسلامی و قدرت سیاسی بکند، می‌گوید:





«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ الْإِمَامَ»! ... در اجتماع مردم در عرفات، می ایستد در میان مردم [و] می گوید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ الْإِمَامَ». امام جامعه، پیشوای جامعه، رهبر جامعه، حاکم بر جامعه، رسول خدا بود، «ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ»<sup>۱</sup> تا می رسد به خودش. یعنی تمام بحث ائمه با مخالفینشان و بحث اصحاب ائمه در مبارزاتشان، همین مسئله حکومت و حاکمیت و ولایت مطلقه و عامه بر مسلمین و قدرت سیاسی بود. بر سر مقامات معنوی، آن ها با ائمه دعوایی نداشتند.<sup>۲</sup> ایشان در سخنی دیگر فرموده اند:

مسئله اصلی و اختلاف اصلی بین سردمداران قدرت، یعنی بنی عباس و بنی امیه و میان اهل بیت رسول خدا، مسئله امامت بود و مبارزه و درگیری و معارضه و سرکوب، ناشی از فکر ائمه عليهم السلام در باب امامت

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۲.

۲. مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی صهبا، انسان ۲۵۰ ساله (بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین عليهم السلام)، ص ۲۳.

مسلمین بود. در دوران اخیر و به خصوص در دو قرن گذشته هم، در دنیای اسلام، مایهٔ اصلی نزاع میان مسلمین و قدرت‌های استعمارگر، مسئلهٔ حکومت اسلامی است.<sup>۱</sup>

این بزرگوار در بیان خواستهٔ مشروع و تلاش ائمهٔ طاهریین علیهم‌السلام در زمینهٔ احقاق حق سیاسی خویش فرموده‌اند: آنچه که از روایاتِ مربوط به زندگی ائمه علیهم‌السلام به دست می‌آید و شواهد زیادی بر آن وجود دارد، این است که ائمه علیهم‌السلام جداً می‌خواستند نظام اسلامی به وجود آورند. این کار، آن‌طور که تصور می‌شود، با علم و معرفت امام منافات ندارد. آن‌ها واقعاً می‌خواستند نظام الهی برقرار کنند. اگر برقرار می‌کردند، تقدیر الهی همان بود. تقدیر الهی و اندازه‌گیری‌ها در علم پروردگار، با شرایط گوناگون اختلاف پیدا می‌کند که حالا این موضوع را بحث نمی‌کنیم. اجمالاً در اینکه حرکت آن‌ها برای این مقصود بوده است، شکی نیست. ما امروز، به برکت آن نهضت و حفظ فرهنگ و روحیهٔ آن نهضت، در جامعهٔ خودمان این نظام را به وجود آورده‌ایم.

۱. مؤسسهٔ فرهنگی هنری راه فخر الائمه علیهم‌السلام، ولایت فقیه؛ سایهٔ حقیقت عظمی در بیان حضرت امام خمینی و رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی)، ج ۲،



## غدیرخم؛ معرفتی پیشوایی معصومانه به درازای تاریخ

غدیرخم علاوه بر آنکه روز معرفتی امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله است، روز معرفتی نظام امامت و جانشینان بعدی امام علی علیه السلام تا روز قیامت است و به دیگر سخن، سالروز برگزاری جشن امامت در تاریخ زندگی انسان‌هاست.

در خطبه غدیریه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در چندین موضع، با صراحت یا کنایه، از دیگر امامان، به ویژه حضرت مهدی علیه السلام یاد کرده‌اند تا جای هیچ شک و شبهه‌ای درباره اسم و رسم امامان بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام باقی نماند:

۱. **مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ وَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مُبَيَّنٌّ عَنِّ صَاحِبِهِ مُوَافِقٌ لَهُ لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.**<sup>۱</sup>

ای گروه مردم، همانا علی و فرزندان پاکیزه من ثقل کوچک‌اند و قرآن ثقل بزرگ است و هریک از دیگری خبر

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۴.

می‌دهد و موافق با اوست و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا کنار حوض پیش من آیند.

۲. **مَعَاشِرَ النَّاسِ النُّورِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْلُوكٍ ثَمَّ فِي عَلِيٍّ ثَمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا.**<sup>۱</sup>

ای مردم، نوری از سوی خداوند عزّ و جل در من نهاده شده است که پس از من، در علی و پس از او، در نسل اوست تا مهدی قائم: یعنی همان که حق خدا و حق هر مؤمنی را ادا خواهد کرد.

۳. **مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.**<sup>۲</sup>

همانا من آن [یعنی ولایت] را به صورت امامت و وراثت تا روز قیامت در ذریه خودم به ودیعه می‌سپارم.

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۱ و ۶۲.

۲. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶.





۴. اَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ<sup>۱</sup>.

ہمانا من صراط مستقیم خدایم کہ امر کردہ است از آن پیروی کنید و پس از من، علی، سپس فرزندان من کہ از صلب اویند، امامانی هستند کہ بہ حق حکم می‌کنند و بہ آن عدالت می‌ورزند.

۵. ای مردم، من پیامبر هستم و علی وصی من است. بدانید کہ خاتم امامان، مہدی قائم، از ماست. اوست کہ دین را آشکار می‌کند [یعنی در دین مسلط و قاهر است] و از ستمگران انتقام می‌گیرد. ہمانا او گشاینده و ویرانگر دژہاست و اوست کہ تمام فرقه‌های مشرکان را شکست می‌دهد. بدانید او انتقام خون ہمہ اولیای خدا را می‌گیرد. او یاری‌رسان دین خداوند است. بدانید او از دریای عمیق [معرفت] بہ دست خویش آب برمی‌دارد. بدانید اوست کہ بر فضل ہر صاحب فضیلتی و جہل ہر جاہل می‌افزاید. ہمانا کہ او برگزیدہ و گزینہ خداوند است. بدانید او وارث ہمہ علوم و آگاہ و چیرہ بہ ہمہ آن است. اوست کہ از خدای خود و امور مرتبط بہ ایمان خبر

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶.

می‌دهد. او راهنمای استوار است. کارها به او تفویض شده است. بدانید همه کسانی که پیش از او بوده‌اند، به وجودش مزده داده‌اند. او حجت باقی خداوند است و پس از او حجتی نیست و حق، فقط با اوست و نوری جز در نزد او نیست. هیچ‌کس بر او چیره و پیروز نمی‌شود. همانا او ولی خدا در زمینش و حکم خدا در میان خلقش و امین خدا در نهان و آشکارش است.<sup>۱</sup>

۶. فَأَمَرْتُ أَنْ آخُذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ أَيْمَةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي يَقْضِي بِالْحَقِّ.<sup>۲</sup>

پس مأمور شده‌ام که از شما بیعت بگیرم برای پذیرفتن آنچه از جانب خدای عز و جل درباره امیرالمؤمنین علی و امامان پس از او آورده‌ام. آن‌ها از من و علی هستند و تا روز قیامت، امام و پیشوایند و مهدی [امت من] که به حق

۱. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۷.

۲. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۵.



حکم می‌کند، از آنان است.

۷. **مَعَاشِرَ النَّاسِ الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ وَعَرَفْتُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي.**<sup>۱</sup>

ای گروه مردم، قرآن برای شما بیان کرده است که ائمه پس از او [یعنی امامان پس از علی علیه السلام]، از میان فرزندان اویند و من هم به شما شناساندم که آنان، از نسل من هستند.

۸. **مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَتَابِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ كَلِمَةً بَاقِيَةً.**<sup>۲</sup>

ای گروه مردم، از خدا بترسید و از علی تبعیت کنید که امیرالمؤمنین است و از حسن و حسین و دیگر امامان که کلمه پاک و پایدار الهی هستند.

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۸.

۲. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۹.





## آیات الولاية در خطبه غدیریه

موضوع امامت و ولایت، از مباحث اعتقادی قرآن است. آیاتی که در قرآن درباره موضوع ولایت آمده است، مشهور به «آیات الولاية» است. برخی از کتب دربردارنده آیات الولاية عبارت اند از:

۱. آیات الولاية فی القرآن، نوشته ناصر مکارم شیرازی، به تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی؛
۲. آیات الولاية در پرتو فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام، نوشته سید کاظم ارفع؛
۳. ولایة الامام علی علیه السلام فی الكتاب و السنّة، نوشته مرتضی عسکری؛
۴. فی رحاب آیات الولاية و الامامة، نوشته سید محمد یثربی کاشانی، تدوین محمد جواد خلیلی
۵. بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین، نوشته فتح الله نجارزادگان؛
۶. آیات ولایت در قرآن، نوشته سید محمد مرتضوی؛
۷. سیری در آیات ولایت و امامت، نوشته سید محمد یثربی کاشانی و تدوین محمد جواد خلیلی.





- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خطبه غدیریه، در خلال سخنان خویش و در چندین نوبت، آیات الولاية را به صورت صریح یا با کنایه بیان کرده‌اند. برخی از دلایل آیه‌آرایی و اقتباس از آیات ولایت در این خطبه عبارت‌اند از:
۱. ارائه ریشه‌های وحیانی موضوع امامت و ولایت؛
  ۲. ارائه دلایل و مستندات قرآنی موضوع امامتِ خاصه و عامه و اثبات ثقل اصغر از طریق ثقل اکبر؛
  ۳. بستن راه هرگونه سوءاستفاده منافقان و مخالفان ولایت، تا کسی نتواند با طرح شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» ولایت را از کتاب خدا جدا کند؛
  ۴. مقبولیت عمومی قرآن میان همه فرقه‌ها و نحله‌های اسلامی و طرح بحث امامت از این طریق.
- برای روشن‌تر شدن بحث، فقط به نقل چهارده نمونه از آیات الولاية می‌پردازیم که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای اثبات ولایت و امامت به آن‌ها استناد کرده‌اند.

## ۱. آیه ابلاغ غدیر

قَدْ عَلَّمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ فَأَوْحَى إِلَيَّ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» فِي عَلِيِّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾<sup>۳</sup>.

همانا خدا مرا آگاه کرد که اگر آنچه بر من نازل شده است، ابلاغ نکنم، حق رسالت را به جا نیاورده‌ام و هرآینه خداوند تبارک و تعالی مصونیت از دشمنان را برایم ضمانت کرده است و تنها او کفایت‌کننده و بخشنده است؛ پس به من وحی کرد: «به نام خداوند بخشنده مهربان. ای رسول، آنچه از جانب پروردگارت [درباره علی علیه السلام] یعنی

۱. مائده، ۶۷.

۲. مائده، ۶۷.

۳. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۵۹.



جانشینی علی بن ابی طالب علیه السلام [ بر تو نازل شده است، ابلاغ کن و اگر چنین نکنی، رسالت حضرت حق را ابلاغ نکرده‌ای و خداوند تو را از شرّ مردمان نگاه می‌دارد. ]  
در این بخش از خطبه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با استفاده از آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده، به چگونگی ابلاغ امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و نقش ولایت و امامت در تکمیل رسالت و پیوستگی صدرصد این دو در اکمال دین تصریح کرده‌اند.  
از دقت در این آیه معلوم می‌شود که در ابلاغ امر ولایت اهل بیت علیهم السلام و دفاع از آن، باید شجاع باشیم و ملاحظات سیاسی و موانع اجتماعی نباید مانع از عمل به این مهم شود.



## ۲. آیه ولایت

وَهُوَ وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾<sup>۱</sup> وَعَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ<sup>۲</sup>.

و او [یعنی علی] پس از خدا و رسولش مولای شماست و همانا خداوند تبارک و تعالی در این باره آیه‌ای از کتابش را نازل کرده است: «همانا ولی خدا و رسول او و مؤمنین کسانی‌اند که نماز را به‌پا داشته و در حال رکوع زکات می‌دهند.» و علی ابن ابی طالب علیه السلام کسی است که نماز را به‌پا داشت و در حال رکوع، زکات پرداخت و اوست که در هر حالی، به دنبال رضای خداست.

۱. مائده، ۵۵.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۵۹.



آیه ۵۵ سوره مبارکه مائده که به آیه ولایت مشهور است، از آیات بسیار معروف در موضوع اثبات ولایت امام علی علیه السلام است.

این آیه بر اساس اسناد تاریخی و گفته مفسرین، درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام و واقعه ای است که آن حضرت، در حال رکوع نماز، انگشتر خود را انفاق کردند. این حقیقت، علاوه بر اثبات شایستگی های ایشان، به وحیانی بودن موضوع امامت نیز تصریح دارد.



### ۳. آیه اُذُن (زودباور)

سَأَلْتُ جَبْرِيْلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَالِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِيْنَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِيْنَ وَإِدْغَالِ الْإِيْمِيْنَ وَخْتَلِ الْمُسْتَهْزِئِيْنَ بِالْإِسْلَامِ الَّذِيْنَ وَصَفَهُمُ اللهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ: ﴿يَقُولُوْنَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوْبِهِمْ﴾<sup>۱</sup> وَيَحْسَبُوْنَهُ ﴿هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللهِ عَظِيْمٌ﴾<sup>۲</sup> وَكَثْرَةَ آذَاهُمْ لِي فِي غَيْرِ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْتُنِي آذُنًا وَرَزَعُمُوْا أُنِي كَذَالِكَ لِكَثْرَةِ مُلَاذِمَتِهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَالِكَ قُرْآنًا: ﴿وَمِنْهُمْ الَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ النَّبِيَّ وَيَقُولُوْنَ هُوَ آذُنٌ قُلِّ آذُنٌ﴾<sup>۳</sup> عَلَى الَّذِيْنَ يَزْعُمُوْنَ أَنَّهُ آذُنٌ ﴿خَيْرٌ لَّكُمْ يَوْمِيْنَ بِاللَّهِ وَيَوْمِيْنَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَرَحْمَةً لِّلَّذِيْنَ آمَنُوْا مِنْكُمْ وَالَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ رَسُوْلَ اللهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيْمٌ﴾<sup>۴</sup>.

۱. فتح، ۱۱.

۲. نور، ۱۵.

۳. توبه، ۶۱.

۴. احمد بن علي طبرسي، الاحتجاج، ج ۱، ص ۵۹.





در ابتدای امر، از جبرئیل خواستم که مرا از ابلاغ این پیام به شما مردم معذور بدارد؛ [زیرا] از کمی تقوایپیشگان و زیادی منافقان و نیرنگ گناهکاران و فریب‌کاری تمسخرکنندگان اسلام آگاه بودم: همان‌ها که خداوند در کتابش وصفشان کرده است و می‌فرماید:

«با زبان‌هایشان سخنی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست» و می‌پنداشتند «آن سخنی کوچک است؛ درحالی‌که نزد خداوند، بزرگ است» و [نه يك بار، بلکه] همواره مرا بسیار می‌آزردند و شدت آزارم را به آنجا رساندند که مرا (أُذُن) (زودباور) نامیدند و گمان کردند، به‌علت همراهی بسیارِ علي با من و عنایت من به او، این چنین هستم؛ تا اینکه خداوند عزّ و جل این آیه را نازل فرمود:

«و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را می‌آزارند و می‌گویند: 'او حرف‌شنو زودباور است. بگو: زورباوری او برای شما نیکو و به‌نفعتان است. [بدانید] او به خدا ایمان دارد و [فقط] مؤمنان را تصدیق می‌کند و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند، رحمت است و آن‌ها که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند!»



در این قسمت از خطبه، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ضمن استفاده از آیه ۱۵ سوره مبارکه نور و آیه ۶۱ سوره مبارکه توبه، با بیان علت امتناع خود از اعلام رسمی امامت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام، یعنی آزار و کارشکنی منافقان، آنان را نکوهش کرده‌اند. از این عبارات و معنای آیات مرتبط با آن، معلوم می‌شود منافقان افرادی سرکش و ماجراجو و قدرت طلب‌اند که حتی سابقه سرکشی در برابر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و شایعه‌سازی علیه آن حضرت را نیز در کارنامه خود دارند، تا چه رسد به سرکشی در برابر امام علی عَلَيْهِ السَّلَام!





#### ۴. آیه جنب‌الله

«مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ جَنَّبَ اللَّهُ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ تَعَالَى: ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ﴾»<sup>۱</sup>

(ای مردم، همانا علی «جَنَّبَ اللَّهُ» است که خداوند در کتابش از او چنین یاد کرده است: «تا مبادا کسی بگوید واحسرتا از کوتاهی که در حق جَنَّبَ اللَّهُ مرتکب شدم!»)

مقام والای امام علی عَلَيْهِ السَّلَام مقام جنب‌اللهی است. آن حضرت پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نزدیک‌ترین فرد به خداست که به مقاماتی چون یداللهی، سیف‌اللهی، اُذُن‌اللهی، وجه‌اللهی و... رسیده است.

تعبیر جنب‌الله برای امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام برگرفته از آیه ۳۹ سوره مبارکه زمر است که می‌فرماید: ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِنَّ كُنْتُ لَمِنَ السَّٰخِرِينَ﴾. بر این اساس، کوتاهی در معرفت و محبت به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و اطاعت از آن بزرگوار، خسارتی است حسرت‌بار و فاجعه‌آفرین در دو دنیا.

۱. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۰.

## ۵. اقتباس از آیات غدیر

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنَّ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيِّ وَلِيكَ عِنْدَ تَبْيَانِي ذَلِكَ وَنَصِي إِيَّاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَأَثَمْتَ عَلَيْهِمْ  
بِنِعْمَتِكَ وَرَضِيَتْ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَقُلْتَ: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾<sup>۲</sup>

پروردگارا، تو این فرمان را بر من نازل فرمودی که پیشوایی و امامت بعد از من، به ولی تو [علی علیه السلام] اختصاص دارد و من نیز این موضوع را بیان کردم و او را به این مقام منصوب کردم تا به این سبب، دینت را برای بندگانت کامل ساختی و نعمتت را برایشان تمام کردی و راضی شدی که اسلام دین آنان باشد که خود فرموده‌ای: «و هر که از دینی غیر از اسلام پیروی کند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت، از زیان کاران است.»

۱. آل عمران، ۸۵.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۱.



پیامبر خدا ﷺ در این قسمت از خطبه، به بخشی از آیه ۳ سوره مبارکه مائده، یعنی:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

و نیز آیه ۸۵ سوره مبارکه آل عمران استناد کرده‌اند. در این آیات، انتصاب امیرالمؤمنین علی عليه السلام از سوی خدا به مقام امامت، اكمال دین و اتمام نعمت به برکت ولایت ایشان و همراهی همیشگی ولایت با اسلام، به صراحت بیان شده است.



## ۶. آیه حبط اعمال

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتُمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ  
الْعَرِضُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ﴾<sup>۱</sup> وَفِي ﴿النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾<sup>۲</sup> \* ﴿لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ  
يُنظَرُونَ﴾<sup>۳</sup>

ای مردم، همانا خداوند عز و جل دین شما را با امامت او [یعنی علی علیه السلام] کامل کرده است؛ پس هرکس به او و  
جانشینانش نپیوندد که تا روز قیامت، از فرزندان من و از صلب او هستند، «پس ایشان اعمالشان حبط شده و در  
آتش دوزخ جاودانه اند.» «نه در عذابشان تخفیفی باشد و نه به آن‌ها نظر مرحمتی شود.»

۱. آل عمران، ۲۲.

۲. بقره، ۲۱۷.

۳. بقره، ۱۶۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۱.



در این بخش که دربارهٔ مخالفین ولایت است، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اشاره کرده‌اند به آیهٔ ۱۷ سورهٔ مبارکهٔ توبه که می‌فرماید:

﴿ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِهِمْ خَالِدُونَ ﴾

و نیز آیهٔ ۱۶۲ سورهٔ مبارکهٔ بقره که عبارت است از:

﴿ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴾

بر اساس این آیات معلوم می‌شود اعمال صالح و عبادی، در صورت خروج انسان از خط ولایت، حبط و نابود می‌شود و نتیجهٔ آخرتی آن، عذاب بدون تخفیف و غضب همیشگی خدا و سکونت جاودانه در جهنم خواهد بود.



## ۷. همه آیات رضوان

«مَعَاشِرَ النَّاسِ... وَمَا أَنْزَلْتَ آيَةَ رِضَىٰ إِلَّا فِيهِ»<sup>۱</sup>

(ای مردم،... هیچ آیه ای نازل نشده است که رضایت حق در آن باشد؛ مگر اینکه درباره او [یعنی علی عليه السلام] است.)  
تعدادی از این آیات نورانی عبارت اند از:

الف. آیه ۱۱۹ سوره مبارکه مائده: ﴿قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾  
ب. آیه ۱۰۰ سوره مبارکه توبه: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.





ج. آیه ۱۸ سوره مبارکه فتح:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾  
 د. آیه ۲۲ سوره مبارکه مجادله: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

از آنجا که علی ابن ابی طالب علیه السلام صاحب نفس مطمئنه و عالی ترین درجات رشد انسانی بوده و تمام وجود خود را صرف خدمت به اسلام و مسلمین کردند، به مقام والای رضوان الهی دست یافتند و بی دلیل نیست که خطاب: ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾<sup>۱</sup> زبینده آن حضرت است.

۱. فجر، ۲۷ و ۲۸.



۸. همه آیاتی که با **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** آغاز شده است

**«وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ.»** (و خداوند هیچ‌گاه خطاب: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» را صادر نفرموده است؛

مگر اینکه او [یعنی علی عليه السلام] سرفصل آن خطاب است.)

امیرالمؤمنین علی عليه السلام به دلیل پیشی گرفتن از دیگران در ایمان به خدا و رسول او و معادباوری و نیز اخلاص ممتاز و پذیرش مشتاقانه فرامین الهی، سرفصل همه خطاب‌های قرآنی به مؤمنان است.

بیش از نود آیه از قرآن کریم با خطاب **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»** آغاز شده است؛

از جمله آیه ۱۳۵ سوره مبارکه نساء:

**«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ...»** (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً قیام به عدالت کنید...)

۱. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.



۹. همه آیاتی که مؤمنان را ستایش می‌کند

«وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدَّحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ»<sup>۱</sup>

(هیچ آیه‌ای در قرآن نازل نشده است که در آن، کسی را ستوده باشد؛ جز آنکه درباره او [یعنی علی عليه السلام] است.)

امیرالمؤمنین علی عليه السلام پس از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله از عالی‌ترین و برترین درجات ایمانی برخوردارند.

آن حضرت در خیل اهل ایمان، همواره پیشتاز بوده و کمترین سابقه‌ای از شرک و حتی شک در کارنامه ایمان ایشان وجود ندارد و هرکجا در قرآن صحبت از ستایش مؤمنان است، علی عليه السلام در رأس همه اهل ایمان، مراد آیه‌اند. از جمله این آیات نورانی عبارت‌اند از:



۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.

الف. آیه ۶۳ سوره مبارکه فرقان: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾  
(و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را مخاطب قرار دهند، با ملایمت پاسخ می دهند.)

ب. آیه ۹۵ سوره مبارکه نساء: ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾  
(خدا مجاهدان را بر خانه نشینان، با پاداشی عظیم برتری بخشیده است.)

ج. آیه ۱۰ سوره مبارکه واقعه: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ (و سبقت گیرندگان مقدم اند.)

د. آیه ۲۳ سوره مبارکه احزاب: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾

(از میان مؤمنان، مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی شان در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند.)



۱۰. آیات سوره مبارکه «هَلْ أَتَى»

«وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْحَنَّةِ فِي ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ﴾ إِلَّا لَهُ».

(و خداوند در سوره «هَلْ أَتَى» به بهشت گواهی نداده است، مگر برای او [یعنی علی عَلَيْهِ السَّلَام]).  
سوره مبارکه انسان سوره ابرار است و آیات آن در شأن اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و مقام ایثار و اخلاص و پاداش آخرتی آنان است که در این میان، امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام چونان نگینی می درخشند.



۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.

## ۱۱. سوره مبارکه عصر

«وَفِي عَلِيٍّ أَنْزَلَ اللَّهُ سُورَةَ الْعَصْرِ...»<sup>۱</sup> (سوره عصر درباره علی نازل شده است...)

عمل صالح یعنی عملی شایسته که علاوه بر ملاک رضایت و تأیید الهی، باید تأیید ولی زمانه را هم همراه داشته باشد و اگر عملی شایسته مطابق نظر ولی امر نباشد، در واقع صالح نخواهد بود. بر این مبنا، اعمالی مانند صلح یا جهاد، با اینکه عنوان عمل صالح را یدک می‌کشند، اگر در موقعیتی مطابق نظر امام نباشند، عمل صالح نخواهند بود. زیان کاران و اهل خسران همان کسانی‌اند که در زمان دستور امام به جهاد، صلح را برمی‌گزینند و در وقت فرمان امام به صلح، به دنبال جهادند. تاریخ در این زمینه، خوارچ بسیاری را به چشم دیده است که اندک بهره‌ای از عمل صالح نداشته‌اند.

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.



## ۱۲. آیه ایمان به نور

مَعَاشِرَ النَّاسِ آمَنُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِالنُّورِ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ﴿مِنْ قَبْلِ أَنْ نَنْظِمَ سُجُوهَهَا فنَرُدَّهَا عَلَيَّ أَدْبَارَهَا﴾<sup>۱</sup> مَعَاشِرَ النَّاسِ التُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي ثَمَّرٍ مَسْلُوكٍ فِي عَلِيٍّ ثَمَّرٍ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ...<sup>۲</sup>

ای مردم، ایمان بیاورید به خدا و رسولش و نوری که با او نازل شده است، «پیش از آنکه چهره‌هایی را هلاک و نابود یا واژگونه کنیم!» ای مردم، نوری از سوی خداوند عز و جل در من نهاده شده است که پس از من، در علی و پس از او، در نسل اوست تا مهدی قائم... .

در این عبارات، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با اقتباس از آیه ۸ سوره مبارکه تغابن که می‌فرماید:

۱. نساء، ۴۷.

۲. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.



﴿ فَأٰمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَالتَّوْرِ الَّذِيْ اَنْزَلْنَا وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴾

و نیز آیه ۴۷ سوره مبارکه نساء، یعنی:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰتَوٰا الْكِتٰبَ اٰمِنُوْا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ نَّظْمِسَ وُجُوْهَاً فَنَرُدَّهَا عَلٰى اَدْبَارِهَا اَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا اَصْحٰبَ السَّبْتِ وَ كٰنَ اَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُوْلًا ﴾

به معرّفی نور ولایت و هدایت در نسل فرزندان معصوم خویش پرداخته‌اند، آن‌هم تا دامنه قیامت!





### ۱۳. اقتباس از آیه ارتداد

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنْذِرُكُمْ أَنْي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ الْأَ وَإِنَّ عَلَيَّ هُوَ الْمُؤْصَفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ!

ای مردم، شما را بیم می‌دهم که من فرستاده خدا هستم که پیش از من نیز رسولانی بوده‌اند؛ پس اگر بمیرم یا کشته شوم، آیا شما مرتد می‌شوید؟ و هرکس به گذشته کفرش بازگردد، هرگز به خدا زیانی نرساند و خدا به زودی شاکران را پاداش خواهد داد. بدانید علی کسی است که به صبر و شکرگزاری توصیف شده است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با اشاره به آیه ۱۴۴ سوره آل عمران که می‌فرماید: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾، بزرگ‌ترین مانع پیشرفت اجتماعی دوران خود و امامت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را جریان نفاق و ارتداد و تمرد معرفی کرده‌اند.

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۲.



## ۱۴. آیه جایگاه منافقان در آتش

«مَعَاشِرَ النَّاسِ إِيْتَهُمْ وَأَنْصَارُهُمْ وَاتَّبَاعُهُمْ وَأَشْيَاعُهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ»<sup>۱</sup>

(ای مردم، همانا منافقان و یاران و پیروان و طرفدارانشان در پایین‌ترین طبقات دوزخ‌اند.)

این عبارت از خطبه غدیریه که در آن، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منافقان و جریان ممتدّ تاریخی آن‌ها، یعنی پیروان و طرفدارانشان را نفرین کرده و مشمول لعن و عذاب الهی قرار داده‌اند، اشاره‌ای است به آیه ۱۴۵ سوره نساء که می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَهُمْ نَصِيرًا﴾

۱. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۲.





الحمد لله الذي جعل لنا الدنيا متمسكة بقرنينا

الحمد لله الذي جعل لنا الدنيا متمسكة بقرنينا



عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْعَصْرُ وَاللَّيْلُ  
وَالنَّجْمُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ  
وَالْمَاءُ وَالنَّارُ وَالْهَوَاءُ  
وَالرُّبُوبُ وَالْمَلَكُ وَالْمَلَأَمُ  
وَالْمَلَأَمُ وَالْمَلَأَمُ

عَلَيْهِ السَّلَامُ  
وَالْعَصْرُ  
وَاللَّيْلُ  
وَالنَّجْمُ  
وَالسَّمَاءُ  
وَالْأَرْضُ  
وَالْمَاءُ  
وَالنَّارُ  
وَالهَوَاءُ  
وَالرُّبُوبُ  
وَالْمَلَكُ  
وَالْمَلَأَمُ

مسابقه فرهنگی:  
«حاضران به غایبان برسانند.»

توضیحات شرکت در مسابقه

- پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.
- به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد پنج رقمی از چپ به راست را همراه با نام و نام خانوادگی خود به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید، مثال: **حاضران به غایبان برسانند ۱۲۳۴۴ احسان براتی‌زاده**



۲- مراجعه به بخش (مسابقات) در سایت حرم مطهر رضوی به نشانی: [haram.razavi.ir](http://haram.razavi.ir)

سایر بخشهای مسابقه کتاب حاضران به غایبان برسانند:

- **ارسال کلیپ تصویری:** معرفی کتاب در حضور اقوام و آشنایان با زمان حداکثر ۱۰۰ ثانیه با فرمت mp۴ و ارسال به سایت حرم مطهر رضوی
- **ارسال کلیپ صوتی:** خوانش قسمتی از کتاب با زمان حداکثر ۱۰۰ ثانیه با فرمت mp۳ و ارسال به سایت حرم مطهر رضوی
- قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.





## پرسش‌ها

### پرسش اول. غدیرستیزی با چه اقداماتی شروع شد؟

۱. غصب فدک
۲. به شهادت رساندن حضرت زهرا علیها السلام
۳. جلوگیری از نشر احادیث اهل بیت علیهم السلام
۴. همه موارد

### پرسش دوم. در میان شیعیان چه گروه‌هایی، فریب شعار جدایی سیاست از دین را خورده‌اند؟

۱. مقدّسین و عارف‌مسلمانان
۲. روشن‌فکران لیبرال
۳. سکولارها
۴. الف و ب

پرسش سوم. سه شأن و مقام مشترک میان امامان معصوم علیهم‌السلام و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کدام‌اند؟

۱. شأن دینی، قضایی، حکومتی و اجرایی
۲. شأن دینی، سیاسی و اقتصادی
۳. شأن دینی، حکومتی و مرجعیتی
۴. شأن حکومتی، مدیریتی و عرفانی

پرسش چهارم. تعبیر **جَنبُ اللَّهِ** برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبه غدیر، برگرفته از کدام سوره است؟

۱. بقره
۲. کهف
۳. ذاریات
۴. زمر

پرسش پنجم. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای اثبات ولایت امیرالمؤمنین از چه شیوه‌هایی در خطبه غدیر استفاده کردند؟

۱. تعبدی
۲. تعقلی
۳. تبشیری و اندازی
۴. همه موارد



